

نام کتاب: با جوانان (نصایح)

نویسنده: آیت الله لطف الله صافی  
گلپایگانی

## سؤال ۱ = تزکیه نفس

### بسم الله الرحمن الرحيم .

محضر حضرت آیت الله العظمی صافی  
گلپایگانی (دامت برکاته) .  
سلام علیکم .

تقاضا دارم به سؤالات زیر پاسخ  
بفرمایید:

با توجه به اینکه خداوند در سوره  
شمس ، یازده قسم برای تزکیه نفس یاد  
کرده است ، عده ای تزکیه و تهذیب نفس را  
واجب می دانند ، آیا صحیح است ؟ .

تزکیه و تصفیه نفس ، واجب است و بر  
حسب آیه کریمه **((قد افلح من زکیها))** <sup>(۱)</sup> هر کس  
تزکیه نفس کند ، رستگار می باشد .

مساله پاکسازی ، تهذیب اخلاق ،  
تصفیه ، تحلیه ، صفای روح و جلای قلب در  
برنامه های عبادی و اخلاقی و اعتقادی اسلام  
منظور شده است ، و همه در صفای باطن و  
بردن زنگار از قلب و تهذیب نفس و تنویر  
ضمیر مؤثرند .

بخشی از تعالیم عالیه اسلام ، تزکیه و  
تصفیه و بخشی هم تکمیل و تحلیه و بلکه  
بیشتر یا همه تعالیم دین مبین ، متضمن  
هر دو فایده تزکیه و تحلیه است . توبه  
، استغفار ، تقوا ، اجتناب از محرّمات  
، اهتمام در حلیت غذا ، پوشاک ، مسکن ،  
کسب ، شغل و انجام عبادات و ریاضات  
شرعیه از نماز ، دعا ، ذکر خدا ، روزه ، حج  
، ادای زکات و سایر حقوق شرعیه و  
احسان به والدین ، احترام معلم ،  
صله رحم ، کظم غیظ ، یاد موت ، زیارت  
مشاهد و قبور ، اعتبار از حوادث  
روزگار ، مجالست با نیکان و علما و بیشتر  
هدایتها و ارشادات دینی که یا به عنوان  
واجب یا مستحب یا حرام یا مکروه عنوان

شده است ، همه اسباب صفای باطن ، کمال نفس ، تزکیه و تحلیه است ، همه سیر و سلوک است و مخصوصا اعتقادات صحیح معرفه الله ، معرفت انبیا ، معرفت ائمه و سایر معارف که بر اساس توحید و ایمان به عالم غیب و جزا و پاداش و معاد ، استوار است . در این خودسازی ، انسان نقش اساسی و بنیادی دارد ، انجام وظایف و تکالیف و عبادات و ترک گناه که ادامه یافت ، روشنی باطن بیشتر و بیشتر می شود ، و سفر آنان الی الله و به سوی خدا شتاب می گیرد تا تمام قلب ، روشن و منور گردد ، و به عکس ارتکاب محرمات ، گناهان و ترک عمل به هدایت های دینی قلب را تاریک و سیاه و روح را آلوده و تباه می سازد .

بنابراین ، دین ، همه اش سلوک و سیر الی الله و تهذیب و تصفیه و تحلیه و تکمیل است این سیر و سلوک ، عمل است که **((من عمل صالحا من ذکر او انثی و هو مؤمن فلنحیینه حیاة طیبة و لنجزینهم اجرهم باحسن ما کانوا یعملون))** <sup>(۲)</sup> موجب حیات طیبه می گردد و باعمل ، التزام ، ایمان ، تعهد ، خلوص نیت و خلاصه ، دو بال علم و عمل ، انسان به این مقامات نایل می شود و در مشاهد عالیه ، حضور می یابد .

پیر ، مرشد ، قطب و تلقین ذکر از این و آن غیر از قرآن و احادیث اهل بیت عصمت و طهارت ، علیهم السلام ، نمی خواهد و نباید به اسم سیر و سلوک ، افرادی دین را به شریعت و طریقت تجزیه نمایند و گروه بندی کنند و حتی علما را به این عناوین تقسیم بندی کرد و برنامه هایی را که اصالت اسلامی ندارند ، عنوان نمایند .

سیر و سلوک همه کتابهایی مثل مصباح  
المتهدج شیخ توسی ، انجام فرایض ، نوافل  
، امر به معروف و نهی از منکر و سعی در  
اعلای کلمه اسلام و عزت مسلمین و قضای  
حوایج مؤمنین و انتظار واقعی فرج ، به  
ظهور حضرت مهدی ، ارواح العالمین له  
الفدا ، است .

خداوند متعال همگان را به دین خود ، در  
راه راست - که اسلام است - هدایت فرماید

گاهی گفته می شود اگر کسی می خواهد به  
کمالات معنوی برسد باید ادعیه و اذکار را  
مانند دارو بداند و آن را زیر نظر طبیب  
روحانی و مجتهد مصرف کند ، زیرا ادعیه ما  
دارای مراتب روحی است ، آیا صحیح است ؟

در این جهت ، همین مقدار که ادعیه و  
اذکار را از کتابهای معتبر مثل کتابهای  
علامه مجلسی و کتاب مصباح شیخ توسی  
و مفاتیح الجنان بخواند کافی است و نیز  
نظر شخص خاص و اجازه ، لازم نیست ،  
بلکه بعضی برنامه هایی به این عناوین -  
که باید با اجازه باشد و صوفیه و بعض  
دیگر عنوان کرده و می کنند - بی  
اصل و بعضی صورتهای آن بدعت و حرام است  
، غرض اینست که برنامه های دعا و عبادت  
و همه وظایف از شرع و از حضرات معصومین ،  
علیهم السلام ، رسیده باشد و شخص از  
اختراعات اشخاص تقلید ننماید .

قم / لطف الله صافی .

## سؤال ۲ = عدم پای بندی اعضای خانواده به وظایف و دستورات اسلامی

باسمه تعالی .

حضور مبارك مرجع عظیم الشان شیعه ،  
حضرت آیت الله العظمی صافی (دام ظلّه العالی  
) .

با سلام ! .

حضرت آیت الله ، محیط زندگانی برای  
اینجانب بسیار مشکل شده و این به خاطر  
عدم پای بندی اعضای خانواده مان ،  
به وظایف و دستورات اسلامی است به همین  
جهت تصمیم به ترك خانه را دارم تا در  
جایی دیگر ، با فراغ بال ، به وظایف  
شرعی رسیدگی کنم در ضمن حافظه ام نیز  
قوی نیست و این مشکلی دیگر برای من است .  
خواهشمندست در این دو مورد اینجانب  
را ، با اندرزهای گهربارتان ، راهنمایی  
نمایید .

بسم الله الرحمن الرحيم .

مرقوم شما واصل شد از خداوند  
متعال مسالت می نمایم مشکلات شما به احسن  
وجه حل شود و حسن عاقبت داشته باشید . V  
احساسات دینی ، علاقه و تعهد  
شما به احکام و وظایف شرعی مورد تقدیر  
است انشاء الله مشمول الطاف حضرت بقیة الله ،  
ارواح العالمین له الفدا ، باشید فعلا اگر  
چه محیط خانواده برای انجام وظایف  
مذهبی چنانکه لازم است آماده نباشد ، ولی  
شما استقامت کنید و با همین شرایط ،  
وظایف خود را انجام دهید به نظر می  
رسد تغییر وضع زندگی قبل از پایان  
تحصیلات ، موجب اشکالات بیشتر برای شما  
شود .

شما وضع مسلمانان صدر اسلام را در نظر بگیرید که جوانهایی در خانواده های کفر اسلام آوردند و باوجود چه مشکلات و متاعبی ، استقامت می ورزیدند انشاءالله شما موفق می شوید مایوس نباشید ضعف حافظه هم مساله ای نیست بسیار دیده شده اشخاص با هوش و استعداد در حافظه ضعیف بوده اند وبعکس هم اتفاق افتاده است که آن ضعف را آن قوت جبران می نماید .  
خداوند متعال شما را یاری کند .  
والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته .  
لطف الله صافی .

## سئوال ۳ = نصیحت درباره سعادت دنیا و آخرت

محضر مرجع عالیقدر، حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی (دام ظلّه الشریف) .  
با سلام ! . با توجه به اینکه جنابعالی با بزرگان زیادی مانوس بوده اید، مستدعی است نصیحتی را که راهگشای سعادت دارین باشد، مرقوم فرمایید که :

**((فان الذکری تنفع المؤمنین))** <sup>(۳)</sup> .

بسم الله الرحمن الرحيم .  
عالم و هر چه در آن است و همه حوادثی که در آن واقع می شود، گردش سال و گذشت عمر و شب و روز، زمین و آسمان، فقر و توانگری، تندرستی و بیماری، جوانی و پیری، زندگی و مرگ، ذلت و عزت و هر چه را می بینیم و پیدایش هر چیز و نشو و نمای آن و تغییراتی که در آن پیدا می شود، تا مرگ و فنای آن، همه پند و نصیحت است .

اگر نظر انسان، نظر عبرت باشد و از ظاهر دنیا، باطن آن را بشناسد، نگاهش به هر چیزی و هرپدیده ای او را از جهات متعدد هشیار و بیدار می سازد و در هر ذره ای از ذرات عالم امکان و هر برگه از برگهای درختان، ابوابی از معرفت و راههایی برای نیل به سعادت می یابد، به شرط اینکه در زمره آنان باشد که :

**((و یتفکرون فی خلق السماوات ربنا ما خلقت هذا باطلا))** <sup>(۴)</sup> در شان آنهاست و از مردمانی که وصف آنها **((لهم قلوب لا یفقهون بها ولهم اعین لا یبصرون بها ولهم اذان لا یسمعون بها))** <sup>(۵)</sup> است، نباشد .

بنابراین، کتاب تکوین - سراسرش و تمام ذراتش، کلمات، آیات و حروفش - پر است از موعظه و نصیحت، به شرط اینکه شخص، سواد خواندن آن و عقل فهم معانی آن را داشته باشد .

کتاب بزرگ وحی و تشریح قرآن مجید نیز مثل همان کتاب تکوین ، متضمن هدایت ، نصیحت و ارشاد است هر چه انسان آن را بیشتر بخواند و در معانی آیات آن بیشتر تامل کند ، به مواعظ و نصایح بیش و بیشتر راهنمایی می شود شما در هر رشته ای نصیحت بخواهید می توانید از این کتاب اعظم آسمانی دریافت کنید .  
اوصاف عبادالرحمن را در سوره مبارکه فرقان بخوانید .

تعلیمات اخلاقی و اجتماعی را در مثل سوره اسری ، آیات ۲۲ تا ۳۹ ، قرائت کنید آیات بشارت و انذار آن ، همه نصیحت و هشدار دهنده است بیان اوصاف مؤمنین ، اصحاب میمنه ، اصحاب یمین و اصحاب شمال ، آموزنده و نصیحت است قصص قرآن ، سرگذشت انبیا و رجال الهی و سؤ عاقبت کفار ، ارباب معاصی ، فراعنه و جباران ، پند و اندرز و هدایت به صراط مستقیم است ، همه را بخوانید و پیوسته تکرار کنید و در مضامین آنها تامل نمایید در مثل این آیات کریمه تامل کنید و سعی کنید به حقیقت مفاد آنها برسید : ((تلك الدار الآخرة نجعلها للذين لا يريدون علوا في الارض و لا فسادا و العاقبة للمتقين )) (۶) ، ((واضرب لهم مثل الحيوۃ الدنيا كما انزلناه من السماء فاختلط به نبات الارض فاصبح هشيمًا تذروه الرياح و كان الله على كل شئ مقتدرا)) (۷) ، ((فمن يعمل مثقال ذرة خيرا يره و من يعمل مثقال ذرة شرا يره )) (۸) ، ((و كاین من آية في السماوات و الارض يمرون عليها و هم عنها معرضون )) (۹) ، ((كم تركوا من جنات و عيون و زروع و مقام كريم و نعمة كانوا فيها فاكهين )) (۱۰) ، ((افرايت ان متعناهم سنين ثم جاهم ما كانوا يوعدون ما اغنى عنهم ما كانوا يمتعون )) (۱۱) .

خلاصه ، قرآن نوری است که اگر از آن روشنی طلب شود ، همه تاریکیها را از میان می برد اگر به زبان عربی ، آشنایی ندارید ، تفسیر این آیات را در تفاسیر



فارسی ، مثل منهج الصادقین و تفسیر ابوالفتوح رازی ، بخوانید .  
همراه با قرآن ، مواعظ و نصایح رسول خدا ، صلی الله علیه و آله ، و مواعظ امیرالمؤمنین ، علیه السلام ، را درنهج البلاغه و کتابهای دیگر، و نصایح سایر ائمه معصومین ، علیهم السلام ، را که حاملان علوم قرآن و مفسران حقیقی کتاب خدا می باشند، بخوانید .

سعی کنید در حدی که می توانید، حقوق برادران و خواهران ایمانی را رعایت کنید، برای قضای حوایج مردم ، خصوصا طبقات ضعیف تلاش کنید، حضور در جماعات و جلسات دینی و مذهبی را ترک نکنید .

توفیق به نماز شب را بسیار مهم و مغتنم بدانید و از یاد خدا در هر حال غافل نباشید، شبهای جمعه دعای کمیل و روزهای آن ، دعای ندبه را بخوانید .

سخت تر از آنچه شخص در امور مالی ، از شریک و طرف معامله خود حساب می خواهد، خودتان به دقت ، به حساب کارهای خودتان برسید که فرمودند: ((لیس منا من لم یحاسب نفسه فی کل یوم فان عمل حسنا استزادالله و ان عمل سیئا استغفرالله منه و تاب الیه )) (۱۲۲) .

نیت خود را خالص کنید و خود را به هیچ کس و هیچ چیز، جز خدا و ثواب خدا نفروشید .

با حضرت بقیة الله ، قطب عالم امکان ، ارواح العالمین له الفدا ، ارتباط قلبی را مستمر بدارید فراموش نکنید که رعیت آن حضرت و تحت ولایت آن حضرت هستیم هر چه بتوانیم کارهای خودمان را به حساب ایشان و خدمت به اهداف و مقاصد بلند ایشان ، که اعلا کلمه اسلام و عزت مسلمین است ، بگذاریم و همه

دوستان ، شیعیان و منتظران ظهور آن بزرگوار را صمیمانه دوست بداریم . امید است سعادت‌مند باشید و به مقامات عالیّه ، که فقط با پیروی از اهل بیت ، علیهم السلام ، حاصل می شود ، نایل گردید .

خداوند ، شما و ما و همه مؤمنین را ، از گرفتار شدن در دامهای شیاطین انسی و جنی و اهل بدع ، حفظ فرماید .

اگر در مظان اجابت دعوات ، حقییر را از دعای خیر ، مخصوصا برای سلامتی ایمان ، حسن عاقبت و توفیق فراموش ننمایید ، بسیار متشکر خواهم بود .

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته .  
 لطف الله صافی .

#### سؤال ۴ = راهنمایی در مسیر سلوک

خدمت مرجع عظیم القدر ، آیت الله العظمی آقای صافی گلپایگانی ! .

مستدعی است اینجانب را در مسیر سلوک راهنمایی فرمایید آیا در این راه از قطب و مرشد پیروی نمایم ؟ در این زمینه ، چه کتابی را پیشنهاد می فرمایید؟ .

بسم الله الرحمن الرحیم .

مکتوب جناب عالی واصل و از مضمون آن اطلاع حاصل شد .

چون در مقام تهذیب اخلاق و به گفته خودتان ، در سیر و سلوک ، راهنمایی از این حقییر خواسته اید ، به شما تذکر می دهم که کل تعالیم اسلام ، از واجبات ، محرمات ، مستحبات و مکروهات ، سیر و سلوک است .

هر مسلمانی ، سالك الى الله است ، با این تفاوت که در این سلوک ، بر حسب قوت و ضعف ، اشخاص در تعهد به انجام واجبات و

ترك محرمات , همه در يك درجه و رتبه نیستند .

هر چه مواظبت انسان بر اطاعت از خداوند متعال و دستورات شرع بیشتر باشد, در این سیر و تحصیل تقرب به خداوند موفق تر می شود .

تعالیم عبادی , نماز , حج , روزه , دعا , قرائت قرآن , نماز شب , مواظبت بر خواندن نمازهای نوافل یومیه , عبادات شب و روز جمعه , ترك دروغ و غیبت , محاسبه با نفس , قضای حوائج بندگان خدا , احسان به پدر و مادر , صله رحم , حسن جوار , حفظ امانت , مصاحبت و همنشینی با علما , تجدید توبه و استغفار , مواظبت بر اذکار تهلیل و تسبیح و تحمید و تکبیر , حسن معاشرت با مردم , امر به معروف و نهی از منکر , رعایت حقوق برادران دینی تا حدی که در روایات معلی بن خنیس <sup>(۱۳)</sup> بیان شده , حفظ اعضا و جوارح از معاصی و حتی ترك مشتبهات , تفکر در عالم آفرینش و عظمت ظهور قدرت خدا در خلقت مخلوقات , تفکر در فنای دنیا , نظر عبرت به کوه و دریا و موجودات کوچک و بزرگ و امور بسیار دیگر , که در آیات قرآن مجید بیان شده است و شرح مختصر آن نیاز به نوشتن يك کتاب دارد , همه سیر و سلوک است .

دستور سیر و سلوک , همین کتابهای دعا , رساله ها , تفاسیر قرآن مجید و کتابهای حدیث فارسی و عربی است محتاج به قطب و مرشد نیست و همه این امور راه رفتن به سوی خدا است , و استاد همه قرآن و تعلیمات ائمه , علیهم السلام , و احادیث شریفه است .

خلاصه ، همه مسلمانها ، اعم از زن و مرد ، در پنج وقت نماز ، سیر الی الله دارند زن در خانه شوهر ، با خانه داریش و انجام وظایف شرعیه خود ، و مرد در بیرون خانه باکد یمین و عرق جبینش ، می توانند این سیر را ادامه دهند فقط باید **دستور ((ولاتکن من الغافلین))** <sup>(۱۴)</sup> را رعایت کنند و در همه این اعمال ، چشم به رضای خدا و تقرب به او داشته باشند و خدا را فراموش نکنند .  
راه ، به برکت تعالیم اسلام ، باز است و بسته نیست ، و اگر هم بعضی معاصی ، سد راه شده باشد ، با توبه ، باز می شود .

اشخاص منزوی ، گوشه گیر و تارك امر به معروف و نهی از منکر ، راهنما نیستند راه بلدها ، علما و شاگردان مکتب ائمه ، علیهم السلام ، می باشند به شما هشدار می دهم که از این فرقه ای که به آنها اشاره کرده اید ، حتما پرهیزید ، زیرا راهها و روشهای آنان ، گاه به کفر و شرک منتهی می شود دعوی ارشاد آنها ، اضلال است .

به شما برادرانه نصیحت می کنم ، اگر خودتان با پای خودتان ، به مدد خواندن نماز در اول وقت ، حفظ زبان و برنامه هایی که به آن اشاره شد ، به سوی خدا بروید ، به خداوند نزدیک می شوید .  
**((والذین جاهدوا فینا لنهیدنهم سبلنا و ان الله لمع المحسنین))** <sup>(۱۵)</sup> .

حقیر هم برای توفیق شما و حفظ ایمان شما از خطر وساوس شیاطین جن و انس ، دعا می کنم شما هم بنده را فراموش ننمایید .

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته .  
لطف الله صافی .

## سؤال ۵ = رهایی از گرفتاریهای روحی

خدمت مرجع عالی مقام شیعه ، آیت الله العظمی صافی (مدظله) .  
با عرض ادب و ارادت ! .  
ت برای رهایی از گرفتاری های روحی و سلب توفیقاتی که قبلا داشته ام ، چه باید کرد؟ .

بسم الله الرحمن الرحيم .  
نامه شکایت آمیز شما از حالات روحی و تاسف بر سلب بعضی توفیقاتی که داشته اید ، واصل شد .

این روحیه گله از نفس و توجه به منابع روحانی یا [توجه به] ابتلا به خسارتها و زیانهای معنوی ، دلیل بیداری ضمیر و حیات قلب و آگاهی و سلامتی روح است و ضد حالت غفلت و بی اعتنایی به گناه است و حالت معاتبه نفس است ، که در اصلاح باطن بسیار مؤثر است .  
در احادیث شریفه ، قریب به این مضمون آمده است که در امم گذشته ، شخصی بود که سالیان دراز عبادت می کرد ، سپس به رسم آن زمان ها قربانی کرد و مقبول درگاه الوهیت ، عزاسمه ، نشد او خود را و نفس خود را مخاطب قرار داد و گفت : ((به من نرسید آنچه رسید مگر از تو و نیست گناه ، مگر از تو)) خطاب شد که این نکوهش و توبیخ نفس ، از آن سالها عبادت ، بهتر است .

باید شما با ایمانی که دارید ، همین حالت شایسته را داشته باشید از فوت ثواب و محروم شدن از کسب نیک ناری و شکر و سپاس خدای متعال را بجا آورید که این وجدان روشن را به شما عطا فرموده است به شکرانه آن برنامه هایی را که

داشته اید با شوق و نشاط از سر بگیرید  
از خدا توفیق بخواهید و کمک و یاری طلب  
کنید انشاءالله حال شما از گذشته هم بهتر  
خواهد شد و صفای باطن و نورانیت قلب شما،  
بیشتر می شود .

باید بنده ، همواره مراقب حالات  
نفسانی و قلب خود باشد که در حدیث است :  
(دل نیز مانند آهن زنگ می گیرد، و با  
تلاوت قرآن کریم و یاد مرگ ، زنگ آن  
زدوده می شود ) ((۱۶)) .  
اگر بتوانید نفس خود را جریمه کنید و  
او را در راه اطاعت و ریاضت ، زحمت  
بیشتر بدهید .

زاید بر برنامه ، اگر می  
توانید از مال خود، انفاق نمایید، یا  
نماز بیشتر بخوانید یا قرآن زیادتر  
تلاوت کنید چنانچه در احوال بعضی بزرگان  
گفته شده است که : وقتی نماز مغرب را  
مختصری از اول وقت تاخیرانداخت ، به  
کفاره آن و تادیب خود، بنده ای را آزاد  
کرد .

این فقرات دعاوی شریف ابی حمزه ثمالی  
((۱۷)) را با توجه بخوانید و اگر عیبی در  
کارتان است ، آن را اصلاح کنید : ((مالی کلمات قد  
صلحت سریرتی و قرب من مجالس التوابین مجلسی عرضت لی بلیة ازالت  
قدمی و حالت بینی و بین خدمتک سیدی لعلک عن بابک طردنتی و عن خدمتک  
نحیتنی او لعلک رایتنی مستخفابحقک فاقصیتنی او لعلک رایتنی معرضا عنک  
فقلیتنی او لعلک وجدنتنی فی مقام الکاذبین فرفضتنی او لعلک رایتنی غیر شاکر  
لنعمائک فحرمتنی او لعلک فقدنتنی من مجالس العلما فخذلنتنی او لعلک رایتنی فی  
الغافلین فمن رحمتک ایستنی او لعلک رایتنی الف مجالس البطالین فبینی و بینهم  
خلیتنی )) ((۱۸)) .

اینها اشاره به یک سلسله از عوامل  
قلت یا سلب توفیق است که به هر حال توجه  
آموز، بیدارگر و عافیت بخش است .  
من امیدوارم که شما تحت تاثیر  
هیچیک از عواملی که در این دعا یاد شده

قرار نگرفته باشید به امید خدا برنامه ها را، مانند گذشته، اجرا کنید، جلو بروید، قدم بردارید که سعادت‌های بزرگ و درجات عالی و مقامات بلند در انتظار شماست.

به حضرت بقیة الله، مولانا المهدي، ارواح العالمین له الفدا، متوسل باشید و برای فرج ایشان دعا کنید.

به این بنده ضیعف سرمایه از دست داده و در بند نفس گرفتار مانده، از راه مرحمت دعا کنید.

ثبتکم الله و ایانا بالقول الثابت فی الحیة الدنیا و الآخرة بحق محمد و آله الطاهرين صلوات الله علیهم اجمعین .  
والسلام علیکم ورحمة الله .  
لطف الله صافی .

## سؤال ۶ = نصیحت در ایام تولد حضرت زهرا (س)

به نام خدا .

به لحاظ مبارک مرجع عزیزم، حضرت آیت الله العظمی آقای حاج شیخ لطف الله صافی (مد ظله العالی) برسد .

با سلام و تبریک ایام ولادت حضرت فاطمه زهرا، سلام الله علیها، خواهشمند است در این روزهای خجسته، اینجانب را نصیحتی فرمایید تا بتوانم هر چه بیشتر در راه اسلام، ثابت قدم باشم .  
بسم الله الرحمن الرحيم .

الحمد لله رب العالمین و الصلوة والسلام علی سیدنا و نبینابی القاسم محمد و آله الطاهرين، سیما بقیة الله فی الارضین .

((قال الله تعالی: و ان هذا صراطی مستقیما فاتبعوه و لا تتبع السبل فتفرق بکم عن سبیلہ ذلکم وصیکم به لعلکم تتقون )) ((۱۹)) .

نصیحتی که به شما می نمایم، برگرفته و اقتباس از نصیحت و سفارش مرحوم علامه حلی، به فرزندش، فخرالمحققین، قدس سرهما، می باشد ایشان

از بزرگترین علمای اسلام است که در همه علوم نقلی و عقلی از اساتید کم نظیرند آن بزرگوار در خاتمه کتاب ارزنده قواعد، به فرزندش، که او نیز از شخصیت‌های برجسته علمی و از مفاخر عالم علم و تحقیق و فضیلت است، سفارشات فرموده است.

آن فقیه عظیم، فرزند جلیل خود را مخاطب قرار داده و بعد از دعای خیر، او را به تقوا و پرهیزکاری، که سپر نگهدارنده و وسیله پایدار و سودمندی است و انسان را برای قیامت آماده می‌نماید، وصیت می‌فرماید و به اطاعت اوامر خدا، آنچه موجب رضای او و دوری از آنچه نهی فرموده، دستور می‌دهد.

از او می‌خواهد که عمرش را در تحصیل کمالات و کسب فضایل و صعود از پستی نقصان و نادانی، به اوج علم، کمال، مدارج معارف، آداب و مقامات انسانی و اعمال صالحه صرف نموده و اوقات خود را بیهوده تلف نسازد.

از جمله این وصایا، احسان، مساعدت، کمک به برادران، قضای حوایج محتاجان و مقابله بدی به نیکی و تشکر و امتنان از نیکوکاران است.

نیز او را به ترك صحبت و هم نشینی و معاشرت با مردم نادان و فاسد الاخلاق، سفارش می‌کند.

و از طرف دیگر، فرزندش را به ملازمت محضر علما و مجالست فضلا، که سبب رفع جهل و موجب اخلاق حسنه است، توصیه می‌فرماید.

به صبر و توکل، رضا و حسابرسی نفس و استغفار و پرهیز از ظلم، خصوصاً به یتیمان و ضعفا وصیت می‌کند و می‌فرماید: خداوند در کیفر کسی که شکسته ای



را برنجاند و ضعیف و افتاده ای را بیازارد، گذشت نمی فرماید .

و بعد از آن می فرماید: در ادای نماز شب، مواظبت داشته باش که پیامبر عظیم الشان، صلی الله علیه و آله، بر آن ترغیب و تشویق فرموده است، آنجا که می فرماید: **((من ختم له بقیام اللیل ثم مات فله الجنة))** ((۲۰)).

صله رحم و پیوند با خویشان را که سبب زیادتی عمر است انجام بده و در حسن خلق، هر چه می توانی اهتمام کن که پیامبر اکرم، صلی الله علیه و آله، می فرماید: **((انکم لن تسعوا الناس باموالکم فسعواهم باخلاقکم))** ((۲۱)).

در پیوند با ذریه طیبه - فرزندان معصومین، سلام الله علیهم اجمعین، - سادات کرام و خدمت و احترام به آنها تلاش داشته باش که خداوند متعال در سفارش آنها تاکید فرموده و مودت و دوستی ایشان را اجر رسالت قرار داده است: **((قل لا اسئلكم علیه اجرا الا المودة فی القربی))** ((۲۲)).

و حضرت ختمی مرتبت، صلی الله علیه و آله، فرمودند: ((من از چهار گروه، در روز قیامت شفاعت می کنم، اگر چه به مقدار گناهان اهل دنیا، گناه بیاورند: کسی که ذریه مرا یاری کرده باشد، شخصی که در تنگدستی مالش را به فرزندان من بذل کرده باشد، آن کس که اولاد مرا، به زبان و دل، دوست داشته باشد و شخصی که برای قضای حاجتهای ذریه من، در وقتی که طرد شده و کنار گذاشته شده باشند، سعی و تلاش نماید)) ((۲۳)).

و همچنین بر تو باد به تعظیم فقها و اکرام علما، که پیامبر عالی قدر اسلام، صلی الله علیه و آله، فرمودند:

**((من اکرم فقیها مسلما لقی الله یوم القیامة و هو عنه راض و من اهان فقیها مسلما لقی الله یوم القیامة و هو علیه غضبان))** ((۲۴)).

نگاه کردن بر عالم عبادت است ،  
نظر به در خانه عالم عبادت است و مجالست  
و همنشینی با عالم عبادت است .

بر تو باد به تحصیل علم و فهم دین !  
مبادا علمی را که داری ، از آنان که  
نیاز دارند ، کتمان کنی و اظهارنمایی .  
در قرآن مجید است : (( آن کس که  
دانش خود را کتمان کند ، خدا و همه لعنت  
کنندگان او را لعنت می کنند )) ( ( ۲۰ ) ) .

خصوصا اگر بدعتها ظاهر شود ، واجب  
است بر عالم که علم خود را اظهار کند و  
بدعتها را دفع نماید و نگذارد که مردم  
گمراه شده ، در اشتباه بیفتند .

قال رسول الله صلى الله عليه وآله : (( إذا  
ظهرت البدع في امتي فليظهر العالم علمه فمن لم يفعل فعليه لعنة الله )) ( ( ۲۱ ) )

توصیه حقیر ، اضافه بر آنچه علامه  
حلی ، رحمة الله عليه ، فرموده ، این است  
که یاد خدا را در هیچ حال فراموش  
مکن و خدا را چنان عبادت و پرستش کن  
که گویی او را می بینی و اگر تو او را  
نمی بینی ، او تو را می بیند ، (( اعبدا لله كأنك تراه  
فان كنت لا تراه فانه يراك )) ( ( ۲۲ ) ) .

بر یاد او به دل و زبان مستمر و  
مداوم باش ! یقینا خدا هم تو را یاد می  
نماید ، (( فاذكروني اذركم )) ( ( ۲۳ ) ) .

و از شکر نعمتهای او ، اگر چه کسی  
از حق شکر آنها بر نمی آید ، غافل مباش و  
از کفران نعمت و اینک با نعمت  
خدا او را معصیت کنی ، بر حذر باش که  
(( ولئن شكرتم لا زيدنكم و لئن كفرتم ان عذابي لشديد )) ( ( ۲۴ ) ) .

در معامله با مردم ، طریق انصاف را  
رعایت کن ! مبادا حقی را از کسی ، اگر  
چه کوچک باشد ، انکار کنی و تا بتوانی با  
برادران دینی مواسات داشته باش ! (( اشد

الاعمال ثلاثة مواساة الاخوان فى المال و انصاف الناس من نفسك و ذكر الله  
على كل حال )) ((۳۰)) .

حق برادران و خواهران مؤمن و مؤمنه  
را رعایت کن! آسانترین آن , این است که  
برای آنها دوست بداری , آنچه را  
برای خودت دوست می داری , و ناخوش  
داشته باشی , آنچه را برای خود ناخوش می  
داری .

و با آنها که از تو می برند, تو پیوند  
کن و آنها را که به تو ستم می کنند عفو  
کن ! .

بپرهیز از خودبینی و غرور و تکبر و  
نظر حقارت به دیگران , ((الیس فى جهنم مثوی للمتکبرین))  
V. ((۳۱)) به هیچ یک از بندگان خدا  
و برادران و خواهران ایمانی , به نظر کم  
قدری , نگاه مکن ! شاید همان کسی که تو  
او را کم گرفته و کم می بینی , از  
اولیای خدا باشد.

مظاهر دنیا و مقامات ظاهری ,  
معیار, نشان قدر معنوی و حقیقی و شان  
اشخاص نیست که ((الا کثرون هم الا قلون يوم القيامة)) ((۳۲)) .  
هر چه خود را در مقایسه با  
دیگران کمتر بشماری و تواضع بیشتر داشته  
باشی , به مقامات و درجات بالاتر نایل می  
شوی .

امر به معروف و نهی از منکر,  
سعی و کوشش در اعلاى کلمه اسلام و تبلیغ  
مکتب اهل بیت , علیهم السلام , را که  
مکتب اصل و اصیل اسلام است , همیشه وجهه  
همت خود قرار بده و حب فی الله و بغض فی  
الله را در همه احوال و کارها مراعات کن !  
((اوثق عری الايمان الحب فی الله و البغض فی الله)) ((۳۳)) .

بر راستی و صداقت , درستی و امانت  
و حفظ عهد و وفای به وعده که از موجبات  
مهم عزت دنیا و آخرت و اعتلا و اعتبار  
جامعه است , ملازمت و مداومت داشته باش

که در حدیث است : ((به نماز و روزه بسیار شخص نظر نکنید، بلکه به صدق و راستی او در گفتار و ادای امانت او نظر کنید)) (۳۴) و از رسول اکرم، صلی الله علیه و آله و سلم، است که فرمود: امت من همواره در خیر هستند، مادامی که امانت را غنیمت و صدقه دادن را غرامت و خسارت نبینند، ((لاتزال امتی بخیر ما لم ترالا مائة مغنما والصدقة مغرما)) (۳۰).

از دوستی با دشمنان خدا سخت پرهیز کن و در این سه آیه پیوسته تامل کن ! .  
((لاتجد قوما يؤمنون بالله و الیوم الآخر یوادون من حادالله و رسوله و لوکانوا آباهم او ابناءهم او اخوانهم او عشیرتهم اولئك کتب فی قلوبهم الا یمان)) (۳۶).

((قل ان کان آباؤکم و ابناءؤکم و اخوانکم و ازواجکم و عشیرتکم و اموال اقترفتموها و تجارة تخشون کسادها و مساکن ترضونها احب الیکم من الله و رسوله و جهاد فی سبیلہ فتربصوا حتی یتئی الله بامرہ و الله لایهدی القوم الفاسقین)) (۳۷).

((تلك الدار الاخرة نجعلها للذین لا یریدون علوا فی الارض و لافسادا و العاقبة للمتقین)) (۳۸).

و تلاوت قرآن را ترک مکن که بر حسب روایات، قرآن، عهد خدا است و باید شخص در این عهد نظر کند و حداقل روزی پنج‌گانه آیه از آن را قرائت نماید .  
از فایده و فضیلت تفکر در خلق آسمان و زمین، نفس خود و همه آیات الهی، که سبب مزید معرفت و خداشناسی و بیداری و آگاهی و ترقی روح و عقل می‌شود، هیچ‌گاه غفلت مکن که خداوند خردمندان را در قرآن به این صفت توصیف و تعریف نموده است و هم در قرآن می‌فرماید: ((و فی الارض آیات للموقنین و فی انفسکم)) (۳۹).

مبادا از آنها باشی که از نظر به ظاهر این عالم، به باطن آن نمی‌رسند و به همین تماشا و سیرظاهری جهان اکتفا کرده، مشمول این آیه شریفه

می شوند: ((و کاین من آیه فی السماوات و الارض یمرون علیها و هم  
عنهامعرضون)) (۴۰) .

و در توسل به حضرات معصومین ،  
علیهم السلام ، و حضور در مجالس ذکر  
فضایل و مناقب و مصایب ایشان ،  
خصوصاً مجالس روضه و تعزیه حضرت  
سیدالشهدا ، علیه افضل التحیه و الثنا ،  
کوتاهی ننما و این مجالس را که  
متضمن کمال روح و تهذیب نفس و کسب ثواب  
و اجر بسیار و ازدیاد بصیرت و معرفت است  
مغتنم بشمار! .

و خصوصاً یاد ولی نعمت حقیقی و آن  
آقایی که همه نعمت های الهی و فیوض  
ظاهریه و باطنیه ، ازبرکت وجود  
مقدس او به ما می رسد ، یعنی حضرت  
بقیة الله ، مولانا المهدی ، ارواحنا فداه ،  
را فراموش ننما و تامی توانی با گفتار  
و کردار خود خوشنودی و مسرت خاطر شریف  
ایشان را فراهم نما! ، برای تعجیل فرج  
و ظهور آن حضرت و نزدیک شدن روزگار رهایی  
دعا کن و سعی کن که از منتظران حقیقی و  
متعهد آن حضرت باشی ! .

بر صلوات بر محمد و آل محمد ، صلوات الله  
علیهم اجمعین ، مداومت داشته باش ! .  
و این حقیر فقیر سراپا تقصیر را از  
دعای خیر و طلب مغفرت ، حیا و میتا ،  
فراموش ننما ! .

فان الله يحب المحسنين و لا حول و لا  
قوة الا بالله العلی العظیم و آخردعوانا ان  
الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا  
محمد و آله الطاهیرین .

والسلام علیکم و رحمة الله .  
لطف الله صافی .

## سؤال ۷ = بهترین و مهمترین آرزو از خدای سبحان

بسم الله الرحمن الرحيم .  
محضر مبارك حضرت آيت الله العظمى آقاي  
حاج شيخ لطف الله صافي ، مد ظله العالی .  
با سلام و تحیت ، خواهشمند است به  
سؤالات این جانب پاسخ دهید :

۱ - اگر روزی قرار شد که خداوند متعال  
، يك آرزوی شما را برآورده کند، در این  
صورت بهترین و مهمترین آرزو و خواسته  
حضرتعالی از خدای سبحان چه خواهد بود؟ .

بسم الله الرحمن الرحيم .  
نامه جنابعالی متضمن دو سؤال و  
درخواست پند و اندرز، واصل شد سؤالاها و  
درخواست ، کاشف ازحسن نیت و بصیرت  
مذهبی و حیات وجدانی است حقیر، این ضمیر  
و ایمان و اعتقاد را به شما تبریک گفته  
و از خداوند متعال برایتان دوام توفیق ،  
کمال ایمان و یقین ، مسالت می نمایم .

اگر چه به واسطه کثرت مشاغل و  
قلت فرصت ، سعی بر این بود که در جواب  
ایجاز و اختصار رعایت شود، ولی معنویت  
این مطالب و حلاوت و لذتی که برای روح  
انسان در تذکار و یادآوری آنها فراهم  
می شود، خود به خود، موجب بسط کلام می  
گردد، به طوری که اگر عنان قلم کشیده  
نشود، نفس هیچ گاه از بیان این معانی  
دلپذیر، سیر نگشته و قلم از نوشتن آن  
باز نمی ماند ، ((و الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما كنا لنهتدی لولا ان  
هدانا الله)) ((۴۱)) .

اما پند و اندرز برای خودم و برای شما  
و همگان :

اوضاع جهان و دگرگونی احوال مردمان ، و تغییر  
و تحولات در هر عصر و هر زمان ، بلکه در هر لحظه  
است که همه مشتمل بر پند و موعظه و معرفت آموز و

هدایت بخش است ، هر ذره ای از ذات ، هر برگ درخت ، هر قطره باران ، هر سلول ، هر جنبنده و هر حیوان ، جماد ، نبات ، انسان ، کوه ، دریا ، ستاره ، منظومه و کهکشان و هر کدام و هر یک ، عالمی از حقایق و کتابی از معانی و معارف و راه و طریقی به سوی خداست سنت الهی لبس و خلع ، حیات و موت ، عوض شدن مظاهر و تازه شدن نعمتها و کهنه شدن نوها ، پیدایش ها و آغازها ، و فرجامها و پایان مهلتها و عمرها و انقراض دولتها ، برای خردمندان همواره بهترین موعظه بوده و هست ، **((ذلك بان الله هو الحق و ان ما يدعون من دونه الباطل و ان الله هو العلی الكبير))** ((٤٢)) .

کدام نقطه و حرف و کلمه ای از کتاب آفرینش و کدام پدیده و مخلوق کوچک و بزرگ است که در آن آثار قدرت بی نهایت و حکمت و علم نامنتهای الهی مشهود نباشد ، و آدمیان غافل را با نهیب و هشدار از خواب غفلت بیدار نکند و به اندیشه در عاقبت کار ، وادار نسازد و در برابر عظمت آفریننده یگانه و یکتای این جهان هستی ، خاضع و خاشع ننماید و به سجده نیندازد و زبانش را به توحید ، تهلیل ، تسبیح و تکبیرنگشاید و مثل مضامین این دعا را بر گوش جان او نخواند :

**((اللهم انه فی السموات دورات و لا فی الارض حرکات و لا فی العیون لحظات و لا فی البحار قطرات و لا فی الاشجار ورقات و الا و هی لك شاهدات و علیك دالات و فی ملكك متحیرات ))** ((٤٣)) .

آری ، همه شواهد ، وجود خدا و دلایل علم و حکمت و قدرت اویند ، .  
برگ درختان سبز در نظر هوشیار —  
هر ورقش دفتری است معرفت کردگار .

**((ان نظرت الی الاشجار رایتها دفاتر سطرت علی اوراقها ادلة وجوده اوالی البحار وجدتها زاخرا من بحر کرمه و جوده جمیع ما فی الکون ناطق بتسبیحه و مجده و ان من شیء الا یسبح بحمده ))** ((٤٤)) .

در حالی که تمام اجزا و اعضای جهان ، از اتم تا کهکشانها و هر جرم و کره ای که از آن بزرگتر یا کوچکتر نیست ، همه به قدرت الهی در حرکت و سیر و گردشند ، و این حرکت تکوینی در خود انسان

و در اعضا و اجزای ذرات وجودش ، در جریان است ، همه با زبان بی زبانی ، هشدار می دهند که در عرصه اراده و اختیار نباید از قافله حرکت باز ماند، باید حرکت کرد، به جلو رفت و سکون و توقف جایز نیست .  
حیف است که انسان این همه مواعظ و هشدارها را با گوش دل نشنود، و عمرش را به غفلت و بطالت و عبث و بازی تمام کند .

در احادیث شریفه است که :  
(هر کس دو روز او مساوی باشد، مغبون و زیانکار است و هر کس امروزش از دیروزش بدتر باشد، ملعون است ) (( ۴۰ )) .

هر چه می بینیم ، همه به ما می گویند بهوش باشید که وقت می گذرد، فرصت از دست می رود، جوانی را پیری ، تندرستی را بیماری و زندگی را مرگ و ممات در پی است ، تا فرصت هست و توان دارید بپاخیزید و برای راهی که در پیش دارید و بسیار دور و دراز است ، زاد و توشه فراهم نمایید، فراموش نکنید که امیرالمؤمنین ، علیه السلام ، می فرماید:  
(كفى بذلك واعظ لمن عقل و معتبرا لمن جهل) (( ۴۱ )) .

اما جواب سؤال اول ، که اگر قرار باشد خداوند متعال يك آرزوی شما را برآورده کند، در این صورت بهترین و مهمترین آرزوی شما چیست ؟ سؤال بسیار مهمی است که غیر از ائمه طاهرين ، عليهم السلام ، که راسخین در علم و معادن بصیرت و معرفت و کمالات عالییه و ملهم به الهامات خاصه ربانیه هستند، کسی نمی تواند جواب کافی و شافی از آن بدهد .

نمی دانم از خدا با چنین شرطی که يك آرزو و حاجتم برآورده باشد، چه درخواستی بنمایم و کدام يك از حوایج خود را مسالت کنم ؟ .



آیا از درگاه او ایمان ثابت ، رضا و رضوان او را بخواهم ؟ .  
یا فرج و ظهور آقا ، حضرت صاحب الامر ، ارواح العالمین له الفدا ، را مسالت نمایم ؟ .

یا عرض کنم **((الهی اجعلنی کما تحب و کما ترید))؟** **((۴۷))** .  
یا برای همه بندگان خدا ، خیر و سعادت دنیا و آخرت و هدایت بخواهم و یا .  
ولی من خدا را باسطالیدین بالعطیه می دانم ، می دانم که از خزاین رحمت و کرم او هر چه انفاق و بخشش و عطا شود ، چیزی کم نمی شود همه دعاها را مستجاب می فرماید او فیاض مطلق است ، **((لایشغله سمع عن سمع یعطی من سآله و یعطی من لم یسآله))** **((۴۸))** است کرم و عطای او محصور و محدود نمی شود ، **((لاتنفد خزائنه و لا تزیده کثرة العطا الا جودا و کرما))** **((۴۹))** .

پاورقی ها  
۱- شمس ، آیه ۹ ، به راستی هر کس آن [نفس] را پاکیزه داشت ، رستگار شد .  
۲- نحل ، آیه ۹۷ ، هر کس از مرد یا زن ، که کار نیک کند و مؤمن باشد ، به زندگانی پاک و پسندیده ای زنده اش می داریم و به بهتر از آنچه کرده اند پاداششان را می پردازیم .  
۳- ذاریات ، آیه ۵۵ ، اندرز ، مؤمنان را سود دهد .  
۴- آل عمران ، آیه ۱۹۱ ، و در آفرینش آسمانها و زمین می اندیشند که پروردگارا این را بیهوده نیافریده ای ! .  
۵- اعراف ، آیه ۱۷۹ ، دلهایی دارند که با آن در نمی یابند ، و دیدگانی دارند که با آن نمی بینند ، و گوشهایی دارند که با آن نمی شنوند .  
۶- قصص ، آیه ۸۳ ، این سرای آخرت است ، آن را برای کسانی که در روی زمین نمی خواهند سرکشی و تبهکاری کنند ، مقرر داشته ایم ، و سرانجام نیک ، از آن پرهیزکاران است .  
۷- کهف ، آیه ۴۵ ، و برای آنان زندگی دنیوی را به آبی مثل بزن که آن را از آسمان نازل کنیم و به آن گل و گیاه زمین آمیزد ، و سرانجام خرد و خوار

شود که بادها پراکنده اش کنند ، و خداوند بر هر کاری تواناست .

۸- زلزال ، آیات ۷ و ۸ ، پس هر کس همسنگ ذره ای ، عمل خیر انجام داده باشد ، [پاداش] آن رامی بیند و هر کس همسنگ ذره ای عمل ناشایست انجام داده باشد ، [کیفر] آن را می بیند .

۹- یوسف ، آیه ۱۰۵ ، و چه بسیار نشانه [و مایه عبرت] در آسمانها و زمین هست که بر آن می گذرند وهم آنان از آنها رویگردانند .

۱۰- دخان ، آیات ۲۵ ، ۲۶ ، ۲۷ ، چه بسیار باغها و چشمه ساران از خود باقی گذاردند ، و [نیز] کشتزارها و خانه های نیکو و نعمتی که در آن خوش و خرم بودند . ۱۱- شعرا ، آیات ۲۰۵ ، ۲۰۶ و ۲۰۷ ، ملاحظه کن که اگر سالها برخوردارشان سازیم ، پس از آنچه بایشان داده ایم ، به سراغ آنان آید ، آن برخورداریشان به کار آنان نیاید .

۱۲- کلینی ، محمد ، کافی ، ج ۲ ، ص ۴۵۳ .  
۱۳- از اصحاب حضرت امام جعفر صادق ، علیه السلام

۱۴- اعراف ، آیه ۲۰۵ ، و از غافلان مباش .  
۱۵- عنکبوت ، آیه ۶۹ ، و کسانی را که در حق ما کوشیده اند ، به راههای خاص خویش رهنمون می شویم ، و بیگمان خداوند با نیکوکاران است .

۱۶- فیض کاشانی ، محسن ، المحجة البيضاء ، ج ۲ ، ص ۲۱۱ ، ان القلوب تصدع كما یصدع الحديد، فقیل یا رسول الله : و ما جلاها ، فقال : تلاوة القرآن و ذکر الموت .

۱۷- عوف بن اسلم ، معروف به ابی حمزه ثمالی ، از اصحاب حضرت امام زین العابدین ، علیه السلام .

۱۸- قمی ، حاج شیخ عباس ، مفاتیح الجنان ، و ترجمه این عبارات چنین است : خدای من ! چه شد که هر بار گفتم درون خویش را ، اصلاح می کنم و همنشین توبه کنندگان می شوم ، گرفتاری پیش آمد که ثبات قدم را از من گرفت و میان من و خدمت به تو جدایی افکند مولای من ! شاید که مرا از درگاه خویش رانده ای و از خدمت [بندگی] در بارگاه قدست [محروم] کرده ای یا آنکه دیدی من در حق تو کوتاهی کردم ، پس تو نیز مرا از خویش دور کردی یا آنکه دیدی من از تو روی گردانم ، پس بر من خشم گرفتی یا شاید مرا در زمره دروغگویان یافتی از این روی ، رهایم کردی یا شاید دیدی که من سپاسگزار مواهب تو نیستم ، پس تو نیز بی نصیبم گذاشتی یا شاید آنکه مرا همنشین عالمان ندیدی و از همین روی خوارم نمودی یا آنکه مرا در میان غفلت زدگان دیدی و چنین شد که از رحمتت ،

ناامیدم کردی یا آنکه مرا در میان اهل باطل دیدی  
 ، پس مرا به آنان واگذار دی .  
 ۱۹- انعام ، آیه ۱۵۳ ، و بدانید که این راه  
 راست و درست من است ، پس آن را در پیش گیرید ، و  
 به راههای دیگر نروید که شما را از راه او دور  
 اندازد ، این چنین به شما سفارش کرده است ، باشد  
 که تقوا پیشه کنید [و در امان مانید] ۲۰- ابن  
 ابی جمهور احسائی ، عوالی اللئالی ، ج ۲ ، ص ۵۱ ،  
 آن کس که پایان زندگیش به قیام شبانگهان باشد ،  
 بهشت از آن اوست .  
 ۲۱- ابن ابی جمهور احسائی ، عوالی اللئالی ،  
 ج ۴ ، ص ۸۰ ، راستی که شما هرگز نتوانید با اموال  
 خویش عهده دار مردم گردید ، پس با اخلاقتان چنین  
 باشید . ۲۲- شوری ، آیه ۲۳ ، بگو برای آن کار  
 از شما مزدی نمی طلبم ، مگر دوستداری در حق  
 نزدیکان [اهل بیتم] ۲۳- ابن ابی الجمهور  
 احسائی ، عوالی اللئالی ، ج ۴ ، ص ۸۰ ، انی شافع  
 یوم القیامة لاربعة اصناف و لوجاوا بذنوب اهل  
 الدنیا : رجل نصر ذریتی و رجل بذل ماله لذریتی  
 عند المضیق و رجل احب ذریتی باللسان و بالقلب و  
 رجل یسعی فی حوائج ذریتی اذا طردوا و شردوا .  
 ۲۴- ابن ابی جمهور احسائی ، عوالی اللئالی ،  
 ج ۱ ، ص ۳۵۸ ، هر کس ، فقیهی را احترام کند ، در  
 روزقیامت به ملاقات خداوند ، در حالی نایل گردد  
 که پروردگارش از او خشنودست و هر کس فقیهی راسبک  
 شمرد ، در قیامت ، خدایش را در حالی می بیند که از  
 او خشمگین است .  
 ۲۵- سوره بقره ، آیه ۱۵۹ .  
 ۲۶- ابن ابی جمهور احسائی ، عوالی  
 اللئالی ، ج ۴ ، ص ۷۰ ، آنگاه که در امت من  
 بدعتها پدیدارگشت ، پس بر عالم (دینی) است که  
 دانسته های خویش را بیان کند و اگر چنین نکرد ، پس  
 لعنت خدا بر او باد .  
 ۲۷- مجلسی ، محمد باقر ، بحارالانوار ، ج ۷۰ ، ص  
 ۷۴ .  
 ۲۸- بقره ، آیه ۱۵۲ ، پس مرا یاد کنید ، تا شما  
 را یاد کنم .  
 ۲۹- ابراهیم ، آیه ۷ ، اگر شکر کنید بر  
 نعمت شما می افزایم ، و اگر کفران بورزید [بدانید  
 که] عذاب من سخت و سنگین است .  
 ۳۰- مفید ، ارشاد ، ج ۲ ، ص ۱۶۵ .  
 ۳۱- زمر ، آیه ۶۰ ، [به آنان گویند] آیا  
 منزلگاه متکبران در جهنم نیست ؟ .  
 ۳۲- کنز العمال ، ص ۲۲۸ ، کسانی که در این دنیا  
 مال اندوزند ، در آخرت دستشان تهی است .

- ۳۳- صدوق ، معانی الاخبار ، ص ۳۹۸ .
- ۳۴- کلینی ، محمد ، کافی ، ج ۲ ، ص ۱۰۵ ،  
قال الصادق ، علیه السلام : لاتنظروا الی طول رکوع  
الرجل وسجوده ، فان ذلك شی اعتاده ، فلوترکه  
، استوحش لذلك و لكن انظروا الی صدق حدیثه و ادا  
امانته .
- ۳۵- عاملی ، حر ، وسائل الشیعة ، ج ۱۶ ، ص ۴۵۹ .
- ۳۶- مجادله ، آیه ۲۲ ، قومی نیابی که به  
خداوند و روز بازپسین ایمان داشته باشند و با  
کسانی که با خداوند و پیامبر او مخالفت می  
ورزند ، دوستی کنند ، ولو آنکه پدرانشان یا  
فرزندانشان یا برادرانشان یا خاندانشان باشند  
اینانند که [خداوند] در دل‌هایشان [نقش] ایمان  
نگاشته است .
- ۳۷- توبه ، آیه ۲۴ ، بگو اگر پدرانتان و  
پسرانتان و برادرانتان و همسرانتان و خاندانتان و  
اموالی که به دست آورده اید و تجارتی که از  
کساده می ترسید ، و خانه هایی که خوش دارید ، در  
نزد شما از خداوند و پیامبرش و جهاد در راهش  
عزیزتر است ، منتظر باشید تا خداوند فرمانش را به  
میان آورد ، و خداوند ، نافرمان را هدایت نمی کند .
- ۳۸- قصص ، آیه ۸۳ ، این سرای آخرت است ، آن  
را برای کسانی که در روی زمین نمی خواهند سرکشی و  
تبهکاری کنند ، مقرر داشته ایم ، و سرانجام نیک ،  
از آن پرهیزگاران است .
- ۳۹- ذاریات ، آیات ۲۰ و ۲۱ ، و در زمینی  
مایه های عبرتی برای اهل یقین هست و نیز در وجود  
خودتان .
- ۴۰- یوسف ، آیه ۱۰۵ ، و چه بسیار نشانه  
[و مایه عبرت] در آسمانها و زمین هست که بر آنان  
می گذرند و هم آنان از آنها رویگردانند .
- ۴۱- اعراف ، آیه ۴۳ ، سپاس خدای را که ما را  
به اینجا رهنمون شد و اگر خداوند راهبر نمی شد ،  
هرگز راه نمی یافتیم .
- ۴۲- لقمان ، آیه ۳۰ / حج ، آیه ۶۲ ، این  
از آن است که خداوند بر حق است ، و آنچه به جای  
او می پرستند ، باطل است ، و همانا خداوند بلند  
مرتبه و بزرگ است .
- ۴۳- ر ک به سید علی خان ، کلم الطیب ،  
بارخدا یا! برآستی که هر چرخشی در آسمانها و هر  
حرکتی در زمین و هر نگاهی در چشمها و هر قطره ای  
در دریاها و هر برگی از درختان ، همه بر تو گواه  
و دلیلند و در ملک تو ، متحیر و سرگردانند .

- ۴۴- اگر به درختان بنگری ، می بینی که آنها دفترهایی است که بر برگهای آن دلایل وجود خداوند ، نوشته شده و اگر به دریاها بنگری آنها را سرشار از دریای بخشش وجود خدایی بینی تمام آنچه در عالم وجودست به تسبیح و تمجید او گویاست ، و هر آنچه هست تسبیح گوی و سپاسگزار اویند .
- ۴۵- معانی الاخبار ، ص ۳۴۲ ، قال الصادق ، علیه السلام : من استوی یوماه فهو مغبون و من کان اخیومیه خیرهما فهو مغبوط و من کان آخر یومیه شرهما فهو ملعون .
- ۴۶- نهج البلاغه ، خطبه ۱۹۰ ، این اندازه پند ، خردمند را کفایت است و نادان را مایه عبرت .
- ۴۷- بارخدایا! مرا انسان قرار ده که می پسندی و می خواهی .
- ۴۸- کلینی ، محمد ، کافی ، ج ۲ ، ص ۵۹۳ ، هیچ گوش سپردنی او را از شنیدن صدایی دیگر ، باز ندارد وهم به آنکه بخواهد و هم به آنکه درخواست نکند ، عطا می کند .
- ۴۹- دعای افتتاح ، مفاتیح الجنان ، گنجینه های او پایان ناپذیرست و عطا بسیار ، او را جز جود و بخشش نیفزاید .

## سئوال ۸ = راهنمایی جوانان مشرف به تکلیف

او در کتاب کریمش و وحی نازل بر حضرت خاتم الانبیا، صلی الله علیه و آله، به همگان برای حضور در مشهد دعا، بار عام و اذن مطلق داده و با اعلان و بلکه فرمان **((و قال ربکم ادعونی استجب لکم ان الذین یستکبرون عن عبادتی سیدخلون جهنم داخرین))** <sup>(۰۰)</sup> همه را به دعا مامور و باب استجابات آن را بر روی همه گشوده است.

لذا من همه حوایجم را، که هر چه هستم و دارم، حاجت و نیاز است، از او می خواهم و رحمت و اسعه و ربانیت و فیاضیت نامتناهی او را محدود و متناهی نمی شمارم و فخرم اینست که سراپای وجودم، فقر و حاجت به اوست و عزتم به اینکه کارساز و قاضی الحاجات اوست.

ولی یادآور می شوم که دعاهای بنسبت جامع و فراگیر مقاصد و مطالب، در ادعیه مرویه از حضرت رسول اکرم و اهل بیت معظم ایشان، صلوات الله علیهم اجمعین، بسیار است و چون همه، منتخب و گزیده است، نمی توان از آنها یک یا چند دعا را برگزید و انتخاب کرد.

اگر بتوانیم از کتابهای معتبری که اصحاب ائمه، علیهم السلام، و علما و محدثین تالیف کرده اند، همه، فیض یابیم و بهره مند شویم، به خزاین بی شماری در هدایت و رحمت الهی دست خواهیم یافت.

این دعاها علاوه بر آنکه متضمن بیان نیازمندی های حقیقی بشر و مسالت قضای حوایج، از حضرت قاضی الحاجات و سامع الدعوات است و خواننده را به فقر کامل و نیاز تمام او به خداوند غنی بی نیاز، متوجه می نماید، و به بهترین حالات معنوی و حضور و خشوع و خضوع و مقامات

قرب و لذت انس با خدا نایل می نماید، درهای علوم و معارف و اخلاق کریمه و آداب فاضله را به روی اومی گشاید .

بیقین اگر راهنمایی آن بزرگواران ، به این دعاها نبود، بشر نمی توانست مدارج بلند و معارج کمال و یقین و ایمان را که در پرتو دعا و توجه به خدا فراهم می شود، طی نماید، این دعاها به ما می آموزد که خدا را چگونه و با چه اسما و صفاتی بخوانیم ، و از او چه بخواهیم .

این دعاها و بخصوص ، دعاهایی که در قرآن مجید است ، همه نور، ایمان ، سیر الی الله و فراغت و خلاصی از علایق دنییه دنیویه و حظوظ نفس بهیمیه ، ارتقای به درجات ملکوتیه و خوض و غور در بحار رحمت و مغفرت و برکات حقیقیه است که امام زین العابدین ، علیه السلام ، در یکی از مناجاتهایش ، به درگاه خداوند عرض می کند: ((یا من حاز کل شیء ملکوتا و قهر کل شیء جبروتا صل علی محمد و آل محمد و اولح قلبی فرح الاقبال الیک والحقنی بمیادین المطیعین لک )) . ((۵۱)) .

این دعا را که می خوانیم ، می فهمیم که اگر ما خود می خواستیم از خدا چیزی بخواهیم ، هرگز این مطالب بزرگ را نمی یافتیم ، حاجت خود را به این مطالب و مراتبی که در این دعا است درک نمی کردیم و به همان طلب یک سلسله حوایج جسمانی و دنیایی ، بسنده می کردیم .

آن حضرت در جریان همین حال حضور و نیایش ، دیگر باره چنین در درگاه خدا ، زبان به دعای گشاید:

((یا من قصده الضالون فاصابوه مرشدا و امه الخائفون فوجدوه معقلا ولجا الیه العابدون فوجدوه موثلا متی فرح من قصده سواک بنیته و متی راحة من نصب لغيرک بدنه الیهی قد تقشع الظلام و لم اقض من خدمتک وطرا و لامن حیاض مناجاتک صدرا صل علی محمد و آل محمد و افعل بی اولی الا مرین بک یا ارحم الراحمین )) . ((۵۲)) .

دعاهای صحیفه مبارکه علویه و صحیفه کامله سجادیه و صحیفه ثانیه و ثالثه و رابعه و سایر ادعیه ماثوره ، از اهل بیت ، علیهم السلام ، همه مشتمل بر مضامین جامع ، معرفت آموز، بصیرت افزا و تربیبت بخش است ، روح را نشاط می بخشد، قلب را جلا و صفا می دهد، تیرگیها را می زداید و به شوق و اشتیاق شخص ، برای سیر در عوالم معنا و حقیقی می افزاید .

از دعاهای جامع ، طلب توفیق ، عافیت ، مقام یقین ، تفویض ، تسلیم ، توکل و رضا است .

در دعاهایی مثل دعای مکارم الاخلاق ، آنچه فطرت پاک و نیاز واقعی دعاکننده است ، از خداخواسته می شود و در همه آنها، انسان ، هر کس و هر شخصیت و صاحب هر مقام و فضیلتی که باشد، خود را ناچیز و سراپا فقر و احتیاج می بیند، در برابر خداوند غنی بالذات و کامل بالذات ، تا می تواند عرض حقارت و ضعف و مسکنت می نماید با این حال خود را قوی و قدرتمند و پیروز و شکست ناپذیرمی سازد و با سلاح دعا، خود را در مقابل خطرناک ترین تیرهای حوادث مسلح می کند .

اهل دعا را توفان های بلا بیچاره نمی نماید و سختی ها و شداید از پای در نمی آورد، یاس و ناامیدی بر آنها چیره نمی شود، رجا و امید آنها به خدا و حول و قوه خداست ، با مثل این دعا : **((اللهم انی اسالك ایمانا تباشر به قلبی و یقینا صادقا حتی اعلم انه لن یصیبنی الا ما کتبت لی و رضنی من العیش بما قسمت لی))** ((۵۳)) مقاوم و توانا، با سر پنجه ایمان و یقین ، بر همه مشکلات فایق می شوند و از مواضع ایمانی خود عقب نشینی ندارند ، **((حسبنا الله و نعم**



(الوكيل) ((٥٤)) و ((افوض امری الی الله)) ((٥٥)) و ((انا لله وانا  
 الیه راجعون)) ((٥٦)) و ((لا حول و لا قوة الا بالله)) ((٥٧)) همه  
 نقاط ضعف آنها را به قدرت مبدل می  
 نماید، یا مثل این دعا، به لفظ کوتاه و  
 مختصر و به مضمون جامع و پر از معنا و  
 معرفت، که بر حسب روایات حضرت رسول  
 اکرم، صلی الله علیه و آله و سلم، به  
 دخترش، سیده نسا العالمین، تعلیم داد:  
 ((یا حی یا قیوم برحمتک استغیث لانکلنی الی نفسی طرفة عین و اصلح لی  
 شانی کله)) ((٥٨)) دعا کننده، خود را در حفظ و  
 حراست خدا و در حمایت عنایت او می بیند  
 و از هر کمی و کاستی و ضرر و زیان، بی  
 بیم و هراس می شود.

اصلا دعا و خواندن خدا، خودش و  
 حقیقتش، از حوایجی که می خواهم مهم تر  
 و فیض بخش تر است همه چیز و همه  
 حوایج، کوچک و بزرگ، حقیر و کبیر را،  
 باید از خدا خواست که آنچه در آن خواستن  
 و خواندن است، عین اجابت و به مطلب  
 رسیدن است.

خوشا به حال بخت یارانی که  
 همواره با دعا با او در ارتباط و راز و  
 نیازند و بدا به حال آنهاییکه از توفیق  
 دعا و لذت دعا بی نصیبند، حقیقت عبادت و  
 پرستش خدا، دعا است.

قال الله تعالی: ((و قال ربکم ادعونی استجب لکم ان الذین  
 یستکبرون عن عبادتی سیدخلون جهنم داخرین)) ((٥٩)) ای،  
 یستکبرون عن دعائی.

در حدیث است: ((الدعا مخ العبادة)) ((٦٠))، دعا مخ  
 و مغز عبادت است.

و هم در روایات شریفه است که از  
 حضرت صادق، علیه السلام، سؤال شد که دو  
 نفر با هم شروع به نماز کردند و با هم  
 از نماز، فراغت یافتند یکی از آنها دعایش  
 در نماز بیشتر بود و دیگری قرائتش،  
 فضیلت کدام بیشتر است؟ فرمود: هر دو

با فضیلت است سؤال کننده عرض کرد: می  
دانم هر دو بافضیلتند، کدام افضل است؟  
فرمود: آنکه دعایش بیشتر است، افضل است  
, ((هی والله العبادۃ هی والله العبادۃ هی افضل)) (۶۶) .

از خداوند متعال، مسالت می  
نمایم که دل‌های ما را به انوار شوق و  
علاقه به دعا منور فرماید و حال اقبال  
به دعا به ما عطا فرموده، همواره و در  
همه حالات، ما را از برکات دعا مستفیض  
فرماید و بخصوص باتوفیق دعا برای حضرت  
بقیة الله، ولی عصر، ارواح العالمین له  
الفدا، و طلب تعجیل در فرج و ظهور آن  
حضرت، ما را قدردان نعمت ولایت آن صاحب  
زمان و ولی دوران، قرار دهد.

۲ - انشاء الله، اگر خدای سبحان در عالم  
قیامت به جنابعالی مقام شفاعت عنایت  
نمود، آیا بنده را شفاعت خواهید کرد یا  
خیر؟ .

و در خاتمه، ضمن تقاضای پند و اندرز،  
از جناب عالی استدعا دارم که جواب را با  
دستخط شریف و مهر مبارک، مزین فرمایید.  
اما در مورد سئوال دوم، اولاً،  
امید دارم شخص شما با این روحیه  
ایمانی پاک و ولایت اهل بیت، علیهم  
السلام، که با الزام به تکالیف شرعیه  
توأم است، از شفاعت باشید، زیرا بر حسب  
روایات، مؤمنین نیز در قیامت از شفاعت  
هستند.

ثانیاً، همه، چشم امید به شفاعت کبرای  
حضرت رسول اکرم، صلی الله علیه و آله و  
سلم، و اهل بیت طاهرین آن حضرت،  
علیهم السلام، داریم اگر بتوانیم رابطه  
خود را با آن بزرگوار نگاه داریم و با  
آن به عالم دیگر برویم، هر چند شفاعت  
در روز قیامت بسیارند - که از آن جمله،  
شفاعت علما، که پاسداران واقعی دین  
و احکام و مدافع از حدود و ثغور اسلام و

جنود حضرت صاحب الامر، علیه السلام، هستند، و آنچه موقعیت درخشان و جلوه خاصی دارد، همان شفاعت محمد و آل محمد، صلوات الله علیهم، است که شیعیان و مؤمنان را به سر منزل نجات و علو درجات نایل می نماید و با این شفاعت جا دارد که بگوییم:

طوبی که خورد آب ز سر چشمه کوثر —  
فارغ بود از تربیت باد بهاری .

امثال شما مؤمنان متعهد را چه حاجتی به شفاعت مثل این بنده حقیر سراپا تقصیر، می باشد، که اگرهم از شفاعت به سهمی مفتخرم سازند، آن هم به شفاعت محمد و آل محمد، صلوات الله علیه و علیهم، است .

بر حسب احادیث شریفه، در صورتی که موانع شمول شفاعت در اشخاص نباشد، صاحبان درجات عالی و اعلا، از صاحبان مراتب پایین تر و ادنا، شفاعت می نمایند این شفاعت نه فقط در ارتباط با عفو از گناهان است، بلکه شامل اخیار و محسنین نیز می شود و بر علو درجات و کثرت اجر و ثواب آنها می افزاید .

لذا بر حسب اطلاق روایات، حضرت رسول اکرم، صلی الله علیه و آله و سلم، از کل افرادی که مانعی از شفاعت از آنها نباشد، شفاعت می فرماید، از عصات و گناهکاران امت، از اخیار و صدیقین و شهدا و صالحین و بلکه انبیا و ائمه طاهرین، علیهم السلام .

شفاعت از گناهکاران، موجب بخشش و عفو آنان و [شفاعت] از دیگران موجب ارتقای مرتبه و تقرب بیشتر می گردد، به این معنا، شفاعت حضرت رسول اکرم و ائمه طاهرین، علیهم السلام، همه شخصیت ها و صاحبان مقامات بلند و همه مؤمنین را شامل می شود و وسایل و اسباب شفاعت از

عصات نیز بقدری فراگیر است که حتی نام آنها را نیز فرا می گیرد، و در صورت ضرورت، کسانی که به نام محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و نام گذاری شده اند نیز شفاعت، شامل حال آنها می گردد.

و راستی جای تعجب است اگر با این همه شفاعت، خصوصا شفاعت کبرای حضرت شفیع الامه، بلکه چنانکه گفته شد، شفیع الانبیا و شفیع الملائکه، - پیامبر عظیم الشان اسلام، صلی الله علیه و آله و سلم، - و شفاعت اهل بیت آن حضرت، صلوات الله علیهم اجمعین، و با این همه اجر و ثواب هایی که برای انواع عبادات و طاعات و اعمال خیر و صنوف کارهای نیک و بر مقرر شده و با این که باب توبه مابین مشرق و مغرب باز است و با وسایل دیگری که همه موجب ظهور رحمانیت و رحیمیت و مغفرت و بخشش خداوند متعال است، شخص، گرفتار تیه شقاوت و سقوط در هاویه عذاب و هلاکت گردد و اگر چه شخصی قلیل المعرفت گفت: **((عجبت لمن نجی کیف نجی))**، سخن حق و کامل و تمام آن است که امام، علیه السلام، فرمود: **((عجبت لمن هلك كيف هلك))**، <sup>(۶۲)</sup> زیرا نجات یافتن و سعادت مند شدن، حق، است و می باید که انسان سعید و رستگار شود و شقاوت و محروم شدن از فیض خدا، باطل و خلاف اصل است.

باید انسان، خود را در مسیر کسب این همه فیوضات ربانیه قرار دهد و راههای تابش آفتاب رحمت حق را بر روی خود نبندد و همواره از اینکه گناه، او را به سیاه چالی بیندازد، که بیرون آمدن از آن ناممکن شود، بیمناک باشد و از سوء عاقبت و استدارج، همیشه بر حذر باشد و آیه زیر را که نتیجه استمرار

در معاصی و گناه را تکذیب و استهزای به آیات خدا را اعلام می کند، فراموش ننماید .

**((ثم كان عاقبة الذين اسؤا السواى ان كذبوا بايات الله و كانوا بهايستهزون (( (٦٣) تا خود را به سؤ اختيار خود، در هلاکت حقيقى نيندازد، نه به رحمت خدا و مغفرت او مغرور گردد و نه از آن مايوس و نااميد شود .**

و بطور خلاصه ، در بين تمام عوامل بسيار نجات ، و اسباب هلاکت و دمار، بايد بين خوف و رجا به سوي رضوان خدا و سعادت دنيا و عقبا، هشيار و آگاه به جلو رفته ، از شر شيطان و نفس اماره ، به خداوند متعال ، پناه ببرد .

**((و لا حول و لا قوة الا بالله العلي العظيم و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمين)) .**

لطف الله صافى .

## سؤال ٨ = راهنمائی جوانان مشرف به تکلیف

محضر مبارك بزرگ مرجع جهان تشيع ، حضرت آيت الله العظمى صافى (دامت برکاته ) .

با سلام و عرض خسته نباشيد و آرزوى قبولى طاعات آن مرجع عزيز به درگاه حضرت حق تعالى ! .

خواهشمند است با رهنمودهاى حكيمانه خويش ، نوجوانان مشرف به تکليف را راهنمايى فرماييد .

از لطف شما صميمانه سپاسگزاريم .

مستدام باشيد ، انشا الله .

بسم الله الرحمن الرحيم .

فرزندان عزيز و نوباوگان گرامى كه به سن بلوغ و شرف صلاحيت توجه تكاليف الهى و خطابات قرآنى نايلى شده ايد! .

حقیر به شما درك این شایستگی را تبریک می گویم .

توجه داشته باشید، از این تاریخ، شما به عضویت در جامعه اسلامی پذیرفته شده اید که روی اخلاق شما و گفتار شما و نیز کار شما حساب می شود و خداوند به شما نشان و اعتبار عطا فرموده است، که در همه آیات **((یا ایها الذین آمنوا))** <sup>(۶۴)</sup> به عنوان طرف خطاب و سخن او قرار می گیرید و در جامعه نیز شما به همان اعتبار مهمی که شرع مقدس ارزش و اعتبار داده، ارزش دارید.

کار و سخن شما که تا پیش از این اعتبار شرعی و قانونی نداشت، اکنون اعتبار شرعی می یابد، تا امروز، دیگران درباره شما تصمیم می گرفتند و صاحب اختیار شما بودند، ولی از امروز، خود، صاحب اختیار خودتان، می شوید، از امروز محکوم به حکم کسی نیستید، جز به حکم خدا و پیامبر و ائمه معصومین، علیهم السلام.

عقاید خود را به توحید، نبوت، امامت، معاد و به کتابها و پیامبران گذشته و ملائکه، با دلایل هر چند مختصر و در عین حال قوی و محکم، در ذهن خود حاضر کنید، و سعی کنید که به حول و قوه الهی، برای خداوند متعال بنده ای صالح و برای پیامبر اکرم، صلی الله علیه و آله، پیروی راستین و برای ائمه طاهرین، صلوات الله علیهم اجمعین، بخصوص صاحب الامر و ولی عصر، حضرت مهدی، حجة بن الحسن، ارواح العالمین له الفدا، شیعه مخلص و سربازی حقیقی، برای اسلام و قرآن پاسداری امین و برای همه مؤمنین و مؤمنات برادر یا خواهری غمخوار و مهربان باشید، و حقوق همگان مخصوصا حق پدر و مادر و اساتید و علما را رعایت

کنید و کوتاه سخن آنکه خود را به اخلاق کریمه اسلامی آراسته سازید و در نیکی به خلق و قضای حوایج مردم اهتمام نمایید، در علم و عمل و کسب معرفت و دانش، هر چه پیش می‌روید و به هر مقام و درجه ای که می‌رسید، در آن درجه متوقف نشوید و به کمال بیشتر و مقامات بالاتر نظر داشته باشید، از نعمتها و امکاناتی که برای ترقی دارید، حداکثر استفاده را بنمایید .

از امروز قدر و ارزش عمر و فرصتها و حتی دقایق زندگی را بدانید مبادا بیهوده تلف شود! هر يك از شما، چنان بدانید که باید شخص شما و باز هم شخص شما برای اسلام و برای امت اسلام، افتخار آفرین و موجب عزت و عظمت گردد .

اوقات خود را به بطالت، سستی، غفلت و خدای نخواستہ اشتغال به مناهی و ملامتی ضایع نسازید .

در جهاد با نفس و هوای نفسانی، که جهاد اکبر است، کوتاهی نکنید و سعی کنید بر غرایز خود مسلط باشید .

چنان باشید و چنان بروید که در آینده، از یاد گذشته شاد و خوشحال شوید و سوابق خوب زندگی همیشه موجب اطمینان و آرامش قلب شما باشد .

عزیزان من! تکلیف، یعنی این گوی و این میدان، این شما و این همه فرصتهای سعادت بخش، این نیروها و استعداد های خداوندی، تکلیف، یعنی ورود به دوره سازندگی، خودسازی، مسؤولیت و ورود در امتحانات الهی و سرآغاز آمادگی برای سیر راه تکامل و تعالی، تکلیف، یعنی زندگی آگاهانه و خردپسند .

شما خود را برای این زندگی آماده سازید و خود را به هیچ چیز و به هیچ کس

و به هیچ قیمت ، جز به خدا و به ثواب خدا نفروشید .

**((فليس لا نفسكم ثمن الا الجنة فلاتبيعوها الا بها)) (٦٥) .**

امیرالمؤمنین ، علیه السلام ، می فرماید: برای نفس شما قیمتی جز بهشت نیست ، جانتان و خودتان را غیر از بهشت ، به چیز دیگری ، نفروشید .

تلاش کنید که در هر رشته و شغلی که انتخاب می کنید برای جامعه عضو مفید و امین باشید ، چنان بدانید که همه به سعی و تحصیل و تلاش شما نیازمندند ، باید به سهم خودتان این نیازمندیها را برطرف نمایید .

خدا را هیچگاه فراموش نکنید و از یاد خدا و دعا و عبادت ، بخصوص نماز و توسل به ائمه هدی ، علیهم السلام ، و زیارت مشاهد مشرفه ، نیرو بگیرید ، به سوی سعادت و کمال پیش بروید و به لطف و کمک و مدد خداوند امیدوار باشید که در قرآن مجید می فرماید:

**((و الذين جاهدوا فينا لنهدينهم سبلنا و ان الله لمع المحسنين )) (٦٦) .**

خداوند متعال همه شما را از یاران و سربازان واقعی حضرت بقیة الله الاعظم ، ارواح العالمین له الفدا ، قرار دهد و بر توفیقات شما بیفزاید .

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته .  
لطف الله صافی .



## سؤال ۹ = مبارزه با نفس اماره

باسمه تعالی . محضر مقدس مرجع تقلید شیعه ، آیت الله العظمی آقای صافی گلپایگانی .  
با سلام ! .

اینجانب از اوایل دوره جوانی ، در راه مبارزه با نفس اماره گام برمی دارم ، ولی گاهی در راه این جهاد بزرگ ، ناموفقم نفس اماره مرا به کارهای زشت و امی دارد و وجدان من پس از ارتکاب گناه ، بسیار ناراحت و نگران می گردد . خواهشمند است با کلامی پیامبرگونه ، به من پشت گرمی دهید و یارم باشید قبلا از شما متشکرم .

بسم الله الرحمن الرحيم .  
روی ان رسول الله صلى الله عليه و آله ، قال :

((خير امتي من هدم شبابه في طاعة الله و فطم نفسه عن لذات الدنيا و توله بالاخرة ان جزاه على الله اعلى مراتب الجنة)) ((٦٧)) .

فرزند عزیزم ! .  
نامه شکواییه شما را خواندم اگر بیشتر مردم ، شکایت از دیگران و از جریانهای بیرون از خود دارند، شما شکایت از خود و درون خود دارید که معلوم می شود با نفس خود و هواهای نفسانی و شهوانی درگیریدیا به عبارت دیگر با آنها در جنگ و جهادید و در جهاد اکبر - که به فرموده رسول اکرم ، صلی الله علیه و آله وسلم ، همان جهاد با نفس است - دشمن را قوی پنجه و نیرومند می بینید و از آن بیم دارید که بر او ، خدای نخواستہ ، پیروزی و ظفر نیابید .

من به شما اطمینان می دهم که اگر در برابر این دشمن مقاومت کنید و عرصه را بر او تنگ نمایید و از آغاز به

پیشنهاد و خواسته های او گردن ننهید، سرانجام بر او غالب شده و او اسیر و رام شما خواهد شد .

ولی اگر به خواسته های او جواب مثبت بدهید، خواهشهای آن بسیار و بی شمار است و هر چه از او فرمان ببرید، او فرمانهای دیگر و بیشتر می دهد و تا شخصیت انسانی و کرامت آدمی را نابود نکند و او را از مقام خود، ساقط نسازد، قانع نمی شود .

دوران جوانی، دوره و میدان چنینین جهاد و پیکاری است و باید شخص اراده، مقاومت و پایداری خود را نشان بدهد البته همه کس حریف نفس اماره نیست، پهلوانان حقیقی می توانند در این میدان عرض وجود نموده و جایزه قهرمانی بگیرند .

شما و هر نوجوان و جوانی، خواه و ناخواه، این زورآزمایی و این امتحان بسیار بزرگ را باید بگذرانید، یاد خدا را فراموش نکنید و از او کمک بخواهید که خود وعده فرموده : **((والذین جاهدوا فینا لنهذینهم سبلنا و ان الله لمع المحسنین))** (۶۸) کسانی که در راه خدا جهاد می نمایند، البته خدا آنان را به راهی که به او می رسد، راهنمایی می نماید و خدا با نیکوکاران است .

این معنویت و روحیه ای که دارید - که به وضع روحی و درگیری عقل و نفس خودتان متوجه هستید و می خواهید که نفس را مغلوب کرده و خود را از آفات هوای نفس سالم نگاهدارید - خود مرحله ای از کمال و آگاهی و بصیرت و بینش است امید است همین آگاهی، شما را از این گرداب - که بسیاری از جوانان در آن گرفتار می شوند - و از امواج و توفان شهوات نجات دهد .

این کار، اگر چه در آغاز دشوار جلوه می کند، ولی وقتی انسان با هوای نفس مقاومت نموده و از آن پیروی نکند، بسیار آسان می شود.

سعی کنید با اشخاص مجرب و مؤمن مجالست کنید، در جلسات موعظه و سخنرانیهای مذهبی شرکت کنید، کتابهایی مانند معراج السعادة، حیاة القلوب و عین الحیات را مطالعه نمایید و با دعا و نیایش به درگاه خدا و خواندن دعای کمیل، دعای ندبه، توسل به حضرت ولی عصر، ارواح العالمین له الفدا، خود را برای جهاد با نفس، مسلح کنید.

امیدوارم پیروز، سعادت مند و موفق شوید و آینده بسیار روشنی پیش روی داشته باشید.

حقیر هم برای توفیق شما و سایر جوانان دعا می کنم و از شما التماس دعا دارم.  
لطف الله صافی.

## سئوال ۱۰ = راهنمایی در آغاز سال تحصیلی

محضر حضرت آیت الله العظمی آقای صافی.  
با سلام! خواهشمندست در آغاز سال تحصیلی جدید، دانشجویان و دانش آموزان را با رهنمودهای خویش، راهنمایی فرمایید.  
با تشکر.

ت بسم الله الرحمن الرحيم.  
قال رسول الله، صلى الله عليه و آله و سلم،  
: ((الآن الله يحب بغاة العلم)) (۱۶۹).  
دانش آموزان و دانشجویان عزیز،  
فرزندان اسلام.

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما، که با شور و شوق فراوان از سال فرخنده و مبارك تحصیلی جدید استقبال

نموده ، و گشایش درهای مدارس و دانشگاهها و مراکز تعلیم و تربیت را فتح باب ترقی و تعالی و کمال می دانید .

در حدیث آمده است : **تخلقوا باخلاق الله** ، ((۷۰)) یعنی به اخلاق خدا ، خود را خلق و خوی دهید و خود را به صفات خداوند آراسته سازید .

در بین صفات خداوند متعال ، صفت علم ، اشرف صفات و اسم العالم ، اعظم اسمای صفاتیه است بیشتر اسما و صفات جمالیه و جلالیه ، به این اسم و اسم القادر و صفت قدرت برمی گردد بنابراین تزیین به زینت و زیور علم و آراسته شدن به این صفت ، از اخلاق دیگر بالاتر و ارزنده تر است .

نشان یافتن و نشان داشتن از خدا ، همان دارا بودن اخلاق کریمه الهی است که مهمترین و سرآمد آنها علم و قدرت ، دانایی و توانایی است این دو صفت با هم ملازمت و مصاحبت ضروریه و تنگاتنگ دارند و افتراق آنها از یکدیگر ممکن نیست .

هر کجا دانایی باشد ، توانایی هست و هر کجا توانایی باشد ، دانایی هست پس در میان آنچه بشرجسته و می جوید و مطالب و خواسته هایی که دارد ، خواسته و مطلوبی از علم بالاتر نیست که هر چه طالب آن ، به مطلوب می رسد ، باز طلبش بیشتر و به مطلوب واصلتر می شود .

قال مولانا امیر المؤمنین ، علیه السلام : **((كل وعاء يضيق بما جعل فيه الا وعاء العلم فانه يتسع))** ((۷۱))

دانش آموزان و دانشجویان عزیز:

فرصت را غنیمت بشمارید، درس بخوانید تا آگاهی و معرفت پیدا کنید درس بخوانید تا خودتان وجامعه و اسلام را عزیز و سربلند کنید درس بخوانید تا خودتان و دیگران را از ظلمت جهالت نجات دهید .

درس بخوانید، برای اینکه مشکلاتی را که در رشته های گوناگون علمی تاکنون لاینحل مانده ، حل نمایید و با سرپنجه بینش و دانش گره های باز نشده از کار بشر را باز نمایید درس بخوانید تا دانشمندشوید، بفهمید شما از دیگران در استعداد و نیل به مدارج عالیه کمال و معارج سامیه ابتکار و اختراع کمترینیستید، بلکه قوی تر و رشیدترید در اسباب و وسایل ظاهری ، هیچ وسیله ای بر غلبه و پیروزی بر استکبار و استبداد قوی تر از علم نیست .

بدانید که دنیا و آینده آن برای ملت های عالم و دانا است ، و این شماست که باید ملت اسلام را به مجد و عزت دیرین و بیشتر از آن برسانید، همتها را بلند کنید نیل به همه مدارج علمی را قابل تحصیل بدانید .

خداوند متعال به بشر و این مخلوق هنوز هم ناشناخته ، لیاقت تسخیر کاینات زمینی و آسمانی را عطا کرده ، یا به بیان دیگر، آنها را مسخر او گردانیده است .

به پیش بروید و اسرار کاینات و آیات علم و قدرت خدا را کشف کنید عزت و قوت و استقلال و هرچیز خوبی که فطرت سالم و پاک بشر، طالب آن است ، با علم فراهم می شود و ذلت و ضعف و زبونی ، نتیجه جهل و ناآگاهی است .

خود را برای اسلام و برای اعلاى کلمة الله و برای حصول اهداف الهی ، قرآنی و برای خدمت به محرومان و

نجات مستضعفان آماده سازید و هر رنج و تلاشی را که در تحصیل علم متحمل می شوید، بانیت خالص و پاک آن را فی سبیل الله و در راه خدا و راه آسایش خلق خدا محسوب دارید، تا از اجر و ثواب بسیار برخوردار شوید .

بدانید که همه در انتظار شما هستند خداوند متعال از شما سعی و عمل و مجاهدت می خواهد .

اسلام و پیامبر عظیم الشان در انتظار تحصیلات دبستانی و دبیرستانی و دانشگاهی ، و بعد هم تحقیقات علمی شما هستند .

ائمہ طاهرین ، علیهم السلام ، بخصوص حضرت بقیة الله ، امام عصر، ارواح العالمین له الفدا، از شما انتظار دارند .

نظر همه و تمام جامعه به این مراکز علمی و کلاسهای تعلیماتی و درس دوخته شده که شما چگونه عمل می کنید و چگونه تلاش می کنید و چگونه خود را برای خدمت به انسانها آماده می نمایید؟ .

مراکزی که در آن آموزش می بینید، آموزگار، دبیر، استاد و مدیر همه باید برای اینکه تحصیلات وزحمات شما بیشترین بازده را داشته باشد، خالصانه مساعدت و کمک نمایند .

سعی نمایید چنان باشید که از فهم و بینش بیشتر و آگاهی زیادتر لذت ببرید، اوقات خود را به بطالت معاشرتهای بیهوده و بعضی بازیها و مسابقات بیهوده ، که کمالی از آن نه برای روح و نه برای جسم حاصل نمی شود، و ارزش حقیقی انسانها را بالا نمی برد، تلف نکنید .

در پی کسب کمالات حقیقی و سیر الی الله باشید .

آیه کریمه : ((افحسبتم انما خلقناکم عبثا))، ((۷۲)) (و ما هذه الحياة الدنيا الا لهو ولعب) ((۷۳)) و مضامین بلند تعالیم نورانی قرآن را فراموش نکنید از مlahی و مناهی پرهیز کنید و از سرگرم شدن به بازیهای وقت بر باد ده خود را دور نگهدارید بعضی از بازیها موجب افت تحصیلی جوانان و دانش آموزان می شود گرچه با نام تقویت فکر و ذهن باشد . اگر می خواهید در تحصیل کمالات حقیقی موفق شوید و اگر مدرسه و محیط خانواده علاقه به توفیق شما دارند، همه باید در دور بودن از مlahی و مناهی ، با شما همراهی و همکاری نمایند . و خلاصه تلاش کنید عمر، وقت ، حیات و فرصتهایی را که دارید و همه خواه و ناخواه از دست خواهید رفت ، به رایگان با بهای کم از دست ندهید برای این نعمت های بزرگ الهی ، بها و ارزشی ، غیر از علم ، معرفت ، رضای خدا ، ثواب خدا و سیرالی الله نیست ، که حضرت امیرالمؤمنین ، علیه السلام ، می فرماید:

((الا حر يدع هذه اللماظة لا هلهما انه ليس لا نفسكم تمن الا الجنة فلاتتبعوها  
 الا بها)) ((۷۴)) .

خود را متعهد بدانید و متعهد بسازید که از کارهای زشت و ناشایست و حرام اجتناب کنید و واجبات و فرایض را انجام دهید و مخصوصا به نماز، که معراج مؤمن است ، اهمیت بدهید در جمعه و جماعات شرکت نمایید و وقار دانش آموزی و دانشجویی را پاس دارید، و خداوند متعال را در همه حالات فراموش نکنید و درس و تدریس و تعلیم و تعلم را برای رضای او و اتصاف به صفت الهی علم قرار دهید، از او استعانت و کمک بخواهید . و به مولى الورى ، حضرت بقیة الله ، مولانا المهدي ، ارواح العالمین له الفدا، متوسل باشید و بدانید که وجود

مقدس و بزرگوار آن حضرت ، که امروز در این عالم ، آیتی اعظم و اکبر از وجود او برای خدا نیست ، از موفقیتی که نصیب شما می شود ، بیشتر مسرور و خوشحال می گردند .

همه شما فرزندان روحانی آن حضرت هستید و آن حضرت بیش از هر پدری توفیق فرزند را در علم ، و عمل و کسب کمال ، دوستدار و خواهانند .

اینجانب برای همه شما و عظمت بیشتر اسلام دعا می کنم و توفیق نظام اسلامی خصوصاً مسؤولان محترم آموزش و پرورش و دانشگاهها و مراکز علمی را برای تعلیم و تربیت جامع و اسلامی مسألت می نمایم .  
والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته .  
لطف الله صافی .

### سؤال ۱۱ = خودکشی و عواقب آن

محضر حضرت آیت الله العظمی آقای صافی .  
با سلام ، چون خودکشی در منطقه ما ، بخصوص در بین زنان زیاد شده است ، نظر مبارك را پیرامون این عمل زشت و عواقب آن بیان فرمایید .  
متشکرم .

خودکشی از محرمات کبیره و عامل آن ، مرد باشد یا زن ، مستحق عقوبت و عذاب شدید الهی است و اگر شخص ، مجنون و مختل الحواس نباشد ، این گناه علامت ضعف عقیده به مبدا و معاد و نداشتن صفت صبر و مقاومت در برابر شداید و دشواریهای زندگی و نومیدی از خداوند متعال است .

بیشتر افرادی که مرتکب این معصیت می شوند ، یا اسیر يك سلسله اوهام و خیالاتند که از يك جهت شکستهایی ، که در واقع شکست نیست ، مثل شکست در بازیها یا بالاتر زناشویی ها و ازدواج ها ، دست به



این عمل می زنند، یا در اثر فشارها و سختیهای زندگی خودکشی می نمایند . بطور کلی به این اشخاص باید تذکر داد که دنیا همه اش فراز و نشیب و تغییر و تحول است و اشخاصی در زندگی واقعا شکست می خورند، که روحیه صبر و مقاومت نداشته باشند و با يك پيش آمد و يك امر ناملايم و ناگوار، روحیه خود را ببازند و خود را بیچاره بشمارند افراد موفق که بر مشکلات فایق می شوند، به اراده و همت و عزم خود اعتماد دارند و با توکل به خداوند متعال ، بر مشکلات صابرند و با قلب محکم و استوار و امید به آینده با هر پیش آمد ناگوار، دست و پنجه نرم می کنند .

تاریخ بشر پر است از فرج بعد از شدت و گشایش و رفاه و توانگری بعد از تنگی و گرفتاری و فقر، مردان و زنان موفق از هیچ حادثه ای تکان نمی خورند و عقب نشینی نمی کنند، به فضل و لطف خدا اعتماد دارند و این آیه را با مضمون بلند آن همواره به خاطر دارند که **((فان مع العسر يسرا، ان مع العسر يسرا))**، <sup>((٧٥))</sup> آسانی ها از میان دشواریها رخ می دهند و روشناییها بر تاریکیها غلبه می یابند . باید این افراد را به صبر سفارش کرد که صبر از ایمن ، به منزله سر، در جسد است <sup>((٧٦))</sup> امید است این نصیحت در قلوب ، مؤثر و نافع باشد **وَاللّٰهُ الْعَالَم .** لطف الله صافی .

## سؤال ۱۲ = نصیحتی برای تمامی جوانان ایران

محضر مرجع محبوب ، آیت الله العظمی صافی گلپایگانی .  
خواهشمندم نصیحتی برای بنده و تمامی جوانان ایران بیان فرمایید .  
بسم الله الرحمن الرحيم .  
جناب عالی و همه جوانان عزیز را که قلوب آنها به نور اسلام منور است ، وصیت می کنم به تقوا و آداب و دستورات دینی و اینکه در تمام مراحل زندگی ، دین خود را فدای چیزی ننمایید که خسارت می بینید ، بلکه همه چیز خود را فدای دین بنمایید .  
موفق باشید .  
لطف الله صافی .

## سؤال ۱۳ = نصیحتی مفید برای دنیا و آخرت

بسم الله الرحمن الرحيم .  
محضر مبارك فقيه عالی مقام ، حضرت آیت الله العظمی آقاي صافی .  
با سلام !  
خواهشمند است این جانب را با نصیحتی که مفید دنیا و آخرت باشد ، رهنمون شوید .  
با آرزوی سلامتی و طول عمر .  
السلام علیکم و رحمة الله و برکاته .  
با اعلام وصول مکتوب شریف ، متضمن در خواست نصیحت ، نظر به اینکه حق مؤمن بر مؤمن نصیحت و خیرخواهی برای اوست ، تذکرات ذیل را تقدیم داشتم امید است به حکم **((فان الذکری تنفع المؤمنین))** (۷۷) مقبول و نافع شود .

بهترین مطلبی که خودم و شما و همه برادران و خواهران ایمانی را بدان نصیحت می‌کنم، تقوا و پرهیزکاری است، **((فانه خیر ما اوصی به المسلم المسلم))** **((۷۸))** .

به شما رهرو جوان مؤمن نصیحت می‌کنم قدر نعمت گرانبهای جوانی را بدانید و توان و فرصتی را که خداوند متعال، جلت حکمته، به شما عطا کرده است، غنیمت بشمارید و بیشترین استفاده را از این دور و روزگار طراوت و نشاط زندگی بنمایید .

بر حسب وصیت حضرت رسول اکرم، صلی الله علیه و آله و سلم، به جناب ابی ذر، رضوان الله علیه، پنج چیز را بیش از پنج چیز باید غنیمت شمرد که اول جوانی پیش از پیری است، **((شبابك قبل هرمك))** **((۷۹))** .

سعی کنید در ایام جوانی بر خود مسلط باشید و خشم، شهوت و هواهای نفسانی را ذلیل و رام خودکنید . دوره جوانی، دوره سعی در عمل، ساختن شخصیت و ظهور استعدادات و فرصت بزرگ برای نیل به کمالات و ارتقای درجات است .

دوره رشد قوای ملکوتی و عقلانی و قوت تمایلات حیوانی است .

دوره جهاد، سیر، حرکت و صعود یا سقوط است، منتهی الیه این سیر، سعادت یا شقاوت، نعیم و رضوان یا جحیم و خسران است .

باید چنان رفت و چنان بود که این سیر، سیر الی الله و به سوی خدا، ثواب خدا و سیر راه انبیا، اولیا، صدیقین و صلحا باشد .

**((و من یطع الله و الرسول فاولئك مع الذين انعم الله علیهم من النبیین و الصدیقین و الشهداء و الصالحین و حسن اولئك رفیقاً))** **((۸۰))** .

خود را در معرض وزش نسیمهای توفیق قرار دهید و با جهاد با نفس، که جهاد

اکبر است ، توفیقات و هدایت‌های الهی را کسب نمایید .

فقد قال عز اسمه : ((والذين جاهدوا فينا لنهدينهم سبلنا و ان الله لمع المحسنين )) (۸۱) .

و خود را از خطر آلودگی به موجبات خذلان و وقوف یا بازگشت به عقب ، دور نگهدارید .

برخی از اسباب خذلان را که در این جمله های شریفه دعای ابی حمزه ثمالی بیان شده ، بخوانید و به خدا از آنها پناه ببرید ، ((سیدی لعلک عن بابک طردتني و عن خدمتک نحيتني اولعلک رايتمني مستخفا بحقک فاقصيتني او لعلک رايتمني معرضا عنک فقليتني او لعلک وجدتني في مقام الكاذبين فرضتني او لعلک رايتمني غير شاكر لنعماؤک فحرمتمني او لعلک فقدتني من مجالس العلماء فخذلتني او لعلک رايتمني في الغافلين فمن رحمتک آيستني او لعلک رايتمني الف مجالس البطالين فبينني و بينهم خليتني )) (۸۲) .

این امور و کارهای مشابه آنها ، همه از اسباب سلب توفیق ، بعد از خدا ، تاریکی قلب و مفساد دیگر است که باید از آنها دوری جست و خطر آنها را بزرگ شمرد .

استخفاف به حق خدا و سبک گرفتن اوامر و نواهی خدا ، اعراض از یاد او ، ترك شکر نعمتهای الهی ، ترك مجالست با علما ، همنشینی با اهل بطالت ، غفلت و لهو و لعب ، همه از موانع کسب درجات معنوی و فیوضات حقیقی است .

یکی از علایم توفیق و آگاهی و بیداری شخص ، همین حال نیک و شایسته نصیحت خواهی است .

خداوند بر این بینش و رشد و درک معنوی شما بیفزاید ، خدا را برای داشتن این حال شاكر باشید ، هیچگاه از حال نفس خود و تهذیب و تکمیل اخلاق خود غافل نشوید ، بر تلاوت قرآن مجید مداومت نمایید و حداقل ، بخشهایی از آن را در معارف و الهیات و معاد و اخلاق حفظ کنید ،

با یاد خدا خیالات شیطانی را، که امید است بر شما چیره نشود، از خود دور سازید.

((ان الذين اتقوا اذا مسهم طائف من الشيطان تذكروا فاذا هم مبصرون))  
(۸۳).

حال که توفیق دانش آموزی دارید، در تحصیل علم، مقامات بسیار بلند علمی را وجهه همت قرار دهید و برای شرف و فضیلت علم و برای اینکه در جامعه مسلمانان، عضوی مفید و مصدر خدمات بزرگ شوید و مسلمانان را از بیگانگان بی نیاز سازید و به خودکفایی برسانید، هر چه در توان دارید، تلاش کنید.

همیشه و همواره چشم به راه ظهور و منتظر فرج حضرت صاحب الامر، بقیة الله، ارواح العالمین له الفدا، باشید و موجبات مسرت خاطر انور ایشان را، که فوز اکبر و افضل است، فراهم سازید.

در خاتمه از خداوند متعال برای شما توفیق و تسدید و سعادت دنیا و آخرت مسالت می نمایم والتماس دعا دارم.  
والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.  
لطف الله صافی.

## سؤال ۱۴ = نصیحتی برای جوانان

محضر مرجع عالی قدر، حضرت آیت الله العظمی آقای صافی .  
با عرض سلام ! .  
خواهشمندست نصیحتی برای جوانان مرقوم فرمایید .

بسم الله الرحمن الرحيم .  
جوانان عزیز باید توجه داشته باشند که در هر زمان و بخصوص در این زمان ، دعوت های باطل فراوان و وسایل گمراهی بسیار است ، بنابراین مراقب باشند تحت تاثیر اباطیل قرار نگیرند .

### پاورقی ها

۵۰- غافر ، آیه ۶۰ ، و پروردگارت گوید مرا به دعا بخوانید تا برایتان اجابت کنم ، بیگمان کسانی که از عبادت من استکبار می ورزند ، زودا که به خواری و زاری وارد دوزخ شوند .

۵۱- الخرائج و الجرائح ، ج ۱ ، ص ۲۶۶ ، ای آن که ملکوتش همه جا را فرا گرفته و جلال و بزرگیش بر هر چیز ، چیره است بر محمد و خاندانش درود فرست و قلبم را از شادی توجه بسویت لبریز کن و مرا به گستره فرمانبرداریت ملحق نما .

۵۲- الخرائج و الجرائح ، ج ۱ ، صص ۲۶۵ و ۲۶۶ ، ای آنکه گمراهان بدو توجه کنند و او را راهبر بینند و بیمناکان ، آهنگش نمایند و او را پناهگاهی استوار یابند و نیایشگران بسویش پناه گیرند و او را تکیه گاه خویش یابند چه زمان ، آن که غیر از ترا طلب کرد ، شادمان گشت و چه وقت است راحتی آنکه ، بدنش را رنجور غیر کرد خدای من ! روشنایی [سحرگاهان] ، تاریکی [شب] را برده است و هنوز به آرزویم نرسیده ام و از چشمه سار مناجاتت سیراب نگشته ام بر محمد و خاندانش درود فرست و از میان برآورده ساختن حاجتم و یا بی نصیب گذاشتنم ، آنچه نزدت برترست را انجام ده ، ای مهربانترین مهربانان ! .

۵۳- صحیفه سجادیه ، ج ۲ ، ص ۲۳۴ ، بارخدایا! از تو ایمانی آمیخته در جان و دلم می طلبم و یقینی راستین تا بدانم که هیچ چیز جز

آنچه تو برایم نوشته ای به من نمی رسد و مرا به آنچه از زندگی، مقدرم نموده ای، خشنود ساز.

۵۴- آل عمران، آیه ۱۷۳، خدا ما را بس و چه نیکو کارسازی است.

۵۵- غافر، آیه ۴۴، کارم را به خداوند واگذار می کنم.

۵۶- بقره، آیه ۱۵۶، ما از خداییم و به خدا باز می گردیم.

۵۷- مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۱۶۰.

۵۸- کنز العمال، حدیث ۳۹۱۸، ای زنده پاینده! با رحمت، دادرسیم کن و یک چشم به هم زدن مرا به خود وامگذار و تمام کارم را اصلاح کن.

۵۹- غافر، آیه ۶۰، و پروردگارت گوید مرا به دعا بخوانید تا برایتان اجابت کنم، بیگمان کسانی که از عبادت من استکبار می ورزند، زودا که به خواری و زاری وارد دوزخ شوند.

۶۰- عاملی، حر، وسایل الشیعه، ج ۴، ص ۱۰۸۶.

۶۱- مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۳۹، ص ۱۲۲.

۶۲- مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۵۳.

۶۳- روم، آیه ۱۰، سپس سرانجام کسانی که بد عملی کرده بودند، بدتر شد چرا که آیات الهی را انکار و به آنها استهزا می کردند.

۶۴- در قرآن کریم، ۸۸ مرتبه، لفظ (( یا ایها الذین آمنوا )) تکرار شده است.

۶۵- نهج البلاغه، حکمت ۴۵۶، براستی که جز بهشت، هیچ ارزشی برای جانهایتان نیست، پس جانهایتان را به غیر از بهشت، نفروشید.

۶۶- عنکبوت، آیه ۶۹، و کسانی را که در حق ما کوشیده اند به راههای خاص خویش رهنمون می شویم، و بیگمان خداوند با نیکوکاران است.

۶۷- صافی گلپایگانی، محمدجواد، گنجینه گهر، بهترین امت من کسی است که جوانیش را در طاعت خداوند صرف کند و نفس خویش را از لذات دنیا باز دارد و آن را در راه آخرت به زحمت اندازد براستی که پاداش چنین فردی در نزد خدا، بالاترین درجات بهشت است.

۶۸- عنکبوت، آیه ۶۹، و کسانی را که در حق ما کوشیده اند به راههای خاص خویش رهنمون می شویم، و بیگمان خداوند با نیکوکاران است.

- ۶۹- کلینی ، محمد ، کافی ، ج ۱ ، ص ۳۰ ، ح ۱ ، بهوش باشید که خداوند طالبان علم را دوست می دارد .
- ۷۰- بحارالانوار ، ج ۶۱ ، ص ۱۲۹ .
- ۷۱- نهج البلاغه ، حکمت ۲۰۵ ، هر ظرفی به آنچه که در آن نهند تنگ گردد ، مگر ظرف دانش که هرچه در آن نهند ، گنجایش بیشتر یابد .
- ۷۲- مؤمنون ، آیه ۱۱۵ ، آیا چنین پنداشتید که ما شما را بیهوده آفریدیم .
- ۷۳- عنکبوت ، آیه ۶۴ ، این دنیا ، چیزی نیست ، مگر لهو و لعب .
- ۷۴- نهج البلاغه ، حکمت ۴۵۶ ، آیا آزاده ای نیست که این دنیا را که در کم ارزشی ، همچون ته مانده طعامی است که در دهان باقی می ماند ، به اهلش واگذارد برآستی که جز بهشت ، هیچ ارزشی برای جانهایتان نیست ، پس جانهایتان را به غیر از بهشت ، نفروشید .
- ۷۵- انشراح ، آیات ۶ و ۵ ، بیگمان در جنب دشواری ، آسانی است آری ، در جنب دشواری آسانی است .
- ۷۶- نهج البلاغه ، حکمت ۸۲ ، فان الصبر من الایمان کالراس من الجسد .
- ۷۷- ذاریات ، آیه ۵۵ ، که اندرز مؤمنان را سود دهد .
- ۷۸- مجلسی ، محمدباقر ، بحارالانوار ، ج ۸۲ ، ص ۲۳۳ ، پس برآستی این [توصیه به پرهیزکاری] بهترین اندرز است که مسلمانی به مسلمان دیگر نماید .
- ۷۹- من لایحضره الفقیه ، ج ۴ ، ص ۳۵۷ .
- ۸۰- نسا ، آیه ۶۹ ، و کسانی که از خداوند و پیامبر اطاعت کنند ، در زمره کسانی اند که خداوند بر آنان انعام فرموده است ، اعم از پیامبران و صدیقان و شهیدان و صالحان ، و اینان نیک رفیقانی هستند .
- ۸۱- عنکبوت ، آیه ۶۹ ، و کسانی را که در حق ما کوشیده اند به راههای خاص خویش رهنمون می شویم ، و بیگمان خداوند با نیکوکاران است .
- ۸۲- صحیفه سجادیه ، ج ۲ ، ص ۲۲۲ ، ترجمه این فقرات ، از دعای ابوحمزه را در ص ۳۴ ببینید .
- ۸۳- اعراف ، آیه ۲۰۱ ، پرهیزگاران هر گاه خیالی شیطانی عارضشان شود ، یاد [خدا] کنند ، و آنگاه دیده ور شوند .



## نمایه واژه ها

مطبوعات و جراید، همه و همه وظایف شان سنگین است این گونه که بسیاری تلقی می کنند، نیست باید جوانان را با مساجد یا مجالس وعظ و هشدارهای اخلاقی، با مطالعه کتابهای آموزنده و صحیح دینی، با تواریخ سودمند، با تفسیر قرآن مجید، با مجالس دعا در خط صلاح و فلاح و رستگاری نگاه داشت و خود آنها هم که بیشتر آگاه و متوجه هستند، باید در خط اصلاح خود و هم سن و سالان خودتشریک مساعی و بذل فداکاری و کوشش کنند.

باید اخلاق اسلامی، زهد، آزادگی، پارسایی، قناعت، شجاعت و خودشناسی را به آنها آموخت که بدانند خود را به هر جریان و هر وضع نفروشدند.

و این کلام معجز نظام امیرالمؤمنین، علیه السلام، را همیشه مقابل چشم دل خود قرار دهند:

**((الاحر يدع هذه اللماظة لا هلهما انه ليس لا نفسكم ثمن الا الجنة فلا تتبعوها الا بها))**، <sup>(۸۴)</sup>، تا بدانند که انسان بالاتر از این است که اسیر شهوات، مادیات، افکار و اعمال شیطانی شود و مثل این اشعار را که:

((تن آدمی شریف است به جان آدمیت — نه همین لباس زیباست نشان آدمیت .  
طیران مرغ دیدی تو ز پای بند شهوت — بدر آی تا ببینی طیران آدمیت )) .

زمزمه نمایند .

بحمدالله در معارف شیعه و فرهنگ غنی ما، بیش از آنچه تصور شود، به جوانان و پسران و دختران، آرایه طریق شده است، آیات قرآن کریم، آن همه احادیث شریفه و این دعاهای انسان سازعالیه المضامین و این کتاب ها و اشعار و مقالات .

باید جوانها را به این فرهنگ غنی متوجه کرد تا بخوانند و هم عظمت دین خود را بدانند و فرهنگ دینی اسلام را بشناسند و هم خود را بسازند، جوانها و همه را باید به حسابرسی و محاسبه اعمال راهنمایی کرد تا همیشه در مقام تحصیل ترقی و کمال، بیشتر باشند.

بالاخره آقای محترم جوان عزیز نوزده ساله که الحمدلله از این همه آگاهی و دانایی برخوردارید و شمه ای از آن را در این نامه به قلم آورده اید!

من به شما تبریک عرض می کنم و از خداوند متعال می خواهم که مثل شما را، که در جوانان و نوجوانان مسلمان، زیاد است، زیاده تر و بیشتر بفرماید. شما جوانان، آینده اسلام هستید، عظمت اسلام، شوکت اسلام مرهون تلاش و رشد و آگاهی شماست همه از شما انتظار دارند، اسلام از شما انتظار دارد و قرآن کریم به انتظار شما است و حضرت بقیة الله، مولانا المهدی، ارواح العالمین له الفدا، از شما انتظار دارد، بیشترین یاوران آن حضرت، از شما جوانان مسلمان و متعهد خواهند بود.

عزیزان من! اگر ما در ادای وظایف خود نسبت به شما قصور یا تقصیر داریم، شما به نفس خود اعتماد کنید و با توکل به خدا در دین، ایمان، تقوا، سعی و عمل، ثبات قدم نشان بدهید، قدم به جلو بردارید و به جلو بروید و فقط عزت اسلام، سیاست مسلمین، رضای خداوند و خوشنودی حضرت ولی عصر، ارواحنا فداه، و تامین رفاه و آسایش خلق و خدمت به مردم را وجهه همت قرار دهید!

خدا یار و یاور شما!

((قل اعملوا فیسیری الله عملکم و رسوله و المؤمنون)) (۸۰)

سؤال ۱۵ = سئوالی درباره ارتباط با نامحرم و اظهار علاقه به مجسمه و صلیب محضر مقدس مرجع عظیم الشان شیعه ، حضرت آیت الله العظمی آقای صافی گلپایگانی (دام عزه) .

با عرض ادب و سلام !

فردی از افراد خانواده مان ، آن چنان غرب زده شده که به مجسمه سگ و صلیب ، اظهار علاقه می کند و هرچه پدر و مادرم او را نصیحت می کنند، اثر ندارد .

۱ - به نظر حضرت عالی ، آیا این کار با روح اسلام ، سازگاری دارد؟

۲ - اگر با مرد نامحرم ، دوست باشم و به او علاقه داشته باشم ، آیا از نظر اسلام صحیح است؟

۳ - آیا با کسی که قصد ازدواج دارم ، می توانم ملاقات کنم؟

با آرزوی طول عمر برای آن عزیز . تهران .

بسم الله الرحمن الرحيم .

مکتوب حاکی از علاقه شما ، به وظایف دینی واصل شد .

امید است خداوند متعال به شما و عموم بانوان و دوشیزگان مسلمان ، که در این عصر، که بخصوص در معرض آزمایش و امتحانات واقع شده اند، توفیق دهد که از عهده امتحان به طور شایسته بیرون آمده و شخصیت اسلامی خودتان را محفوظ و تحت تاثیر تلقینات و تبلیغات سوء منحرف کننده ، از خدا و راه مستقیم اسلام دور نشوید و درک کنید که وظیفه زن ، در زمان ما و مسؤولیتش ، بسیار مهم است و در بقای جامعه اسلامی ، وضع و اخلاق بانوان و پیروی آنها از تعالیم قرآن و سنت پیغمبر و ائمه ، علیهم السلام ، حساس و خطیر و مؤثر است .

اما مساله اول ، بسیار باعث تاسف است که غرب زدگی در جامعه مسلمان به این حد رسیده باشد که دختری که در يك خانواده و محیط مسلمان و موحد پرورش یافته ، و صدای توحید اذان و الله اکبر و شهادتین را همواره شنیده است ، تا این گونه خود را باخته ، و پیرو بیگانه باشد که به مجسمه سگ یا صلیب ، که مفاد مسیحیت و حرام است ، اظهار علاقه نماید ، و به پند و راهنمایی پدر و مادر مهربان توجه نکند .

این علاقه ها نشانه احساس شخص به ضعف خود در برابر دیگران است که تصور می کند با این گرایش ها نقطه ضعف برطرف می شود ، در حالی که این خود عین اظهار و آشکار کردن نقطه ضعف ، انحراف فکر و بالغ نبودن روح است ، که به جای علاقه به کمالات و ارزش های انسانی ، به این گونه امور ، که از عادات پوچ و زشت بیگانگان است ، توجه کند و با توجه به این که تلقینات و تبلیغات گمراه کننده سمعی و بصری و بعضی مطبوعات که در اختیار دوشیزگان و بانوان گذارده می شود ، این علایق را ایجاد و تقویت می نماید ، و این روش های بی ارزش و زیان بخش را به آنها تعلیم می دهد ، گمان می کنم در این موضوع بیشتر از این توضیح لازم نباشد و شما و هر بانوی با فکر دیگر ، اگر مطالعه بنمایید ، آگاه و ملتفت می شود که این هم ، آثار و نقشه های شوم ضد اسلام و دور کردن مسلمان ، از حریم هدایت های اسلام است .

و اما راجع به سؤال دوم نیز آنچه به شما نصیحت و خیرخواهی می کنم ، این است که در موضوع رابطه با مرد اجنبی بسیار مراقب باشید که رابطه ای خارج از حد و مرزی که شرع مقرر کرده

است پیدانکنید با مرد اجنبی آمد و شد و معاشرت ننمایید که خطرناک است و پشیمانی می آورد لابد می شنوید که چه بسیار دوشیزگانی که از حریم مقدس عفت و پاکدامنی، در اثر این معاشرتها و ارتباطها دور افتاده و درعواقب سؤ این رفتارهایی که فعلا به دوشیزگان پیشنهاد می شود، و آن را نشانه تجدد و ترقی می دانند گرفتار شده، و آلوده گردیده اند و آن مطلب و مقاصدی هم که در نظر داشته اند، به باد فنا رفت (یا فریب خوردند یا فرد پشیمان شد و یا جریانهای دیگر).

این علاقه هایی که شما از آن نوشته اید، علاقه اصیل و حساب شده نیست، علاقه ای است که بین دختر و پسری، در ایام جوانی ممکن است پیدا شود و لذا در این موارد همان راهنماییهای پدر و مادر و افراد دلسوز و پخته خانواده و مشورت با آنها، که فکرشان از آن احساساتی که يك دختر یا پسر جوان که به هم برخورد کرده اند، آزاد است، بسیار ارزنده است.

به نظر می رسد که اگر خیر و سعادت خود را می خواهید، حتما موضوع ازدواج را با پدر و مادر در میان بگذارید اگر آنها مخالفت کردند، ناراحت نشوید و بدانید که آنها خیر فرزندشان را می خواهند و در این مورد تجربه شده است که نظر آنها، واقع بین تر است، و در اکثر موارد، رای و نظرشان صائب و صحیح است.

به شما وامثال شما نصیحت می کنم که در این مواقع جوانی، خود را کنترل کنید و بر خود، مسلط باشید و اطمینان داشته باشید که آینده شما قرین سعادت و خوشبختی خواهد بود.

اما مساله جایز بودن دیدار و نظر به کسی که شخص قصد ازدواج با او را

دارد, باید از حدود, و مقدار متعارف و به مقدار اطلاع بیشتر نباشد, و نمی شود که با مرد اجنبی اختلاط و معاشرت به این اسم برقرار کرد اما ازدواج با شخصی که شغلش حرام و درآمدش حرام است, اگرچه به خودی خود ممنوع نیست, آن هم از ازدواجهایی است که برای زن مسلمان آینده لذت بخشی نخواهد داشت, زیرا مسلمان باید از خوراک و پوشاک و اموال حرام پرهیز کند, و برای او زندگی با این شوهر دشوار می شود, مگر آن که شوهر, قبل از ازدواج, شغل حرام را ترك کرده و شغل حلال و مشروعی انتخاب کند

خداوند متعال شما و همه بانوان و دوشیزگان مسلمان را در طریق اسلام و عفت و حجاب ثابت دارد.

والسلام علیکم و رحمة الله.

قم / لطف الله صافی.

\* ازدواج .

### سؤال ۱۶ = حقوق زوجین

به نام آنکه جان بخشید در دلها و پاک ساخت قلبها را .

با تقدیم احترام ! خدمت شریف و گرامی جناب عالی سلام و درود فراوان می فرستم و سلامتی و طول جنابعالی را از ایزد منان خواستارم .

جناب آقای آیت الله العظمی صافی ، مرجع تقلید محترم من ! .

تا کنون مدت دو سالی است که قصد مکاتبه با شما را دارم ، اما به دلایلی این افتخار نصیب نشده بود ، بالاخره امروز مصمم شدم تا مکاتبه ام را با مرجع تقلیدم آغاز کنم و خودم را از زندان سؤال نجات دهم امیدوارم زیاد وقت گرامیتان را نگیرم و شما لطف کنید و جوابهای مرا بدهید .

اول از همه ، رساله ای از خودتان می خواستم که احکام اولیه و ثانویه را مفصل شرح داده باشد و سؤال و جواب نباشد اگر مقدور بود برایتان ، لطفاً برایم بفرستید .

سؤالات من بسیار است و اکثر آنها شخصی است من دانشجوی رشته کاردانی حسابداری در تهران هستم .

به رشته طراحی علاقه وافر دارم جدیداً به عقد آقای درآمده ام ایشان با ما زندگی می کنند ، به دلیل اینکه خانواده شان اهل بیرجند هستند در حقیقت شاید زندگی مشترک ما شروع شده باشد سؤال من اینست ، آیا ایشان حق دارد بر تمام امور من ، نظارت و کنترل داشته باشد ، یا فقط در مواردی خاص ؟ .

موقعیتی در دانشکده پیش آمده که من می توانم طراحی را ادامه دهم ایشان این کلاس را برای من ممنوع کرده اند آیا من می توانم باز هم بدنبال این رشته بروم یا نه ؟ دلیل ایشان اینست که به درسم لطمه می خورد، هر چه صحبت کرده ام راضی نشده اند از این موارد زیاد پیش می آید می خواستم بدانم با وجود اینکه هنوز در خانه پدرم هستم ، مسؤولیت من به گردن پدرم است یا [شوهرم] آقای ، با توجه به جلب رضایت هر دو، حرف کدام در حال حاضر مهمتر است ؟ .

آیا او حقی در این زمان بر من دارد و می تواند مرا از تحصیل محروم کند؟ .

در ضمن آیا گذشته من ربطی به او دارد؟ من از زمان تولد تا رسیدن به او را برایش با جزییات و احساساتم بیان نموده ام شاید اشتباه کرده ام ، چون او حساس شده است البته شاید من نتوانسته ام آنطور که باید خودم را تشریح کنم و خودم رابه او بشناسانم ، چون حقیقتا خودم را هنوز نشناخته ام و درگیر خودم هستم .

ما هر دو می خواهیم بر اساس قوانین شرعی و اسلامی پیش برویم و زندگیمان را حلال گردانیم بر این اساس من چه باید بکنم تا زنی نمونه باشم البته جواب را می دانم که باید مطالعه کنم و الگویم را حضرت زهرا، سلام الله علیها، قرار دهم ، اما باز هم به کمک شما احتیاج دارم .

به من بگویید تا چه حد ایشان می توانند در گذشته من حقی داشته باشند؟ و آیا من همه چیز را باید با او درمیان بگذارم و نمی توانم مواردی را از او پنهان کنم تا موقعیت مناسب پیش آید؟ .

مثلا می توانم پنهانی ، طراحی را ادامه دهم یا نه ؟ و لازمست همه اتفاقاتی که برایم در طول روز می افتد، برای او



بازگو کنم ، حتی اگر به ضرر زندگیمان باشد و خدشه ای بر صمیمیت ما وارد کند .  
در ضمن ایشان جوانی پاک و سالم از هر نظر هستند و من ایشان را هدیه ای از جانب خدا می دانم .

و می خواستم بدانم آیا شما شعر هم می گویید؟ اگر بله و امکان دارد و افتخار می دهید قسمتی از نوشته هایتان را برایم بفرستید ببخشید که این قدر طول کشید منتظر جواب شما هستم من برای شنیدن جواب عجله دارم .

با تشکر و احترام فراوان خدمت جنابعالی ! .

تهران / مقلد شما .

بسم الله الرحمن الرحيم .

مرقوم مفصل شما رسید، جوابا اشعار می دارد:

یکی از آیات بزرگ الهی و شگفتیها و ظرافتهایی که در عالم آفرینش ، بخصوص انسان ، تماشایی و عبرت انگیز و بینش آفرین است ، زوجیت و همسر و همدم و انیس و مونس بودن زن و مرد با یکدیگراست ، که واقعا الان که این نوشته را می نویسم ، واژه ای که تعبیر از این زوجیت و با هم شدن و باهم بودن و یکی شدن این دو جنس ، بنماید، ندارم .

قرآن مجید می فرماید: **((هن لباس لکم و انتم لباس لهن))** ، **((۸۶))** بانوان برای شوهران لباس و شوهران برای ایشان لباس می باشند، و در آیه دیگر پیرامون این رابطه می فرماید:

**((و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجا لتسکنا الیها و جعل بینکم مودة و رحمة))** ، **((۸۷))** از خود شما برایتان قرارداد، یعنی همدم ، مونس ، غمخوار متحد مشترک المنافع و موافق ، همدل ، نه معارض و نه جدا از هم و نه مستقل از هم ، بلکه متحد، اتحادی که بین هیچ دو نفری برقرار نمی شود، حقیقت زوجیت

این معانی مقدس و آرام بخش است این است که از دو جنس مخالف يك واحد به تمام معنا موافق ، ساخته می شود و اسلام به این جهت ازدواج و تقویت و تکمیل ، بسیار اهمیت داده است و در اکثریت زنان و شوهران مسلمان ، این روحیه و این تجلی و یگانگی و اتحاد را ، اگرچه بالطبع فراهم است ، فراهم تر می سازد ، و اهتمام بر این است که بنیاد قویم و مستحکم ، از آسیب و تعرض مصون بماند و زن و مرد در دل به آن وفادار باشند .

حقیر در همین زندگی خود ، زنان و مردانی را دیده ام که در این جهت با هم شدن و از هم بودن ، نمونه بودند و چنان بودند که گویی هر يك از راز دل دیگری خبر داشت و همان را انجام می داد و همان را می گفت که دیگری می گفت ، شخصیتشان درهم ذوب شده بود ، اگر او در بیرون خانه بود و دیگری در درون خانه ، هر دو با هم بودند و در رنج و غم و شادی و گشایش شریک یکدیگر بودند .

نه این خود را از او طلبکار می دانست و نه او به این ادعایی داشت .

این مردسالاری تحمیلی ، که در زمان ما مبارزه با آن را مطرح می نمایند ، و از آن برای جدا کردن زن از شوهر ، و آنها را دو واحد ، در مقابل هم قرار دادن استفاده می کنند ، اصلا وجود نداشت ، اخلاق اسلامی در محیط خانه و بر روابط با هم حاکم بوده است .

غرض از این بیانات اینست که شما بر حسب آنچه نوشته اید ، همسر از هر جهت پاك و سالم دارید ، که او را هدیه ای از طرف خدا می شمارید ، مساله غیرقابل حل ، بین خودتان نخواهید داشت ، این صفا و وفا و خوش بینی که به هم دارید ، همه امور را بر وفق دلخواه قرار می دهد ، شما

خاطرخواه او و او هم خاطرخواه شما، خواهد بود .

البته در نظامات شرعی، برای اینکه اگر در بین زنها و شوهرها، افرادی پیدا شدند که بواسطه بعضی جهات و عذرهای صحیح یا بهانه های غلط به این اتحاد و یگانگی نرسیدند، قانون بر آنها حاکم شود و آنها را منظم سازد، برای هر يك از زن و شوهر نسبت به هم حقوقی مقرر شده است که برحسب آن، نظام خانواده و زوجیت باز هم محفوظ بماند و در سایه این حقوق و قانون با هم همزیستی داشته باشند، برحسب این حقوق هیچ زن و مردی موظف نیستند که از گذشته های خوب و بد و سوابق زندگی خودیکدیگر را مطلع سازند، باید هرچه می گویند و عمل می کنند، همه موجب قوت اتحاد و خوش بینی آنها به یکدیگر باشد . مساله اینکه تا در خانه پدر هستید باید چگونه باشید، این جزییات را با توافق با هم و ملاحظه خیر و صلاح یکدیگر، در حالی که يك واحد هستید، حل نمایید نه او جمود بر حقی که دارد داشته باشد و نه شما در موضوعی که در بین است، اصرار کنید .

مرد باید دستور ((المؤمن یاکل بشهوة اهله و المنافق یاکل بشهوته))<sup>(۸۸)</sup> را در رابطه با زن رعایت کند، زن هم باید خود را موظف بداند که یا اخلاقا و یا حقا و شرعا، رضایت شوهر را فراهم نماید .

امید است با این توضیحات این روابط گرمی که بین شما و همسران، بحمدالله، برقرار است، بیش از پیش گرمتر شود، و زندگی سعادت‌مندان و خوبتر و خوبتر را در پیش روی داشته باشید .

((الف الله بینکما و طیب الله نسلکما)) .

با التماس دعا .

لطف الله صافی .

## سؤال ۱۷ = معیارهای انتخاب همسر

بسم الله الرحمن الرحيم .  
خدمت با سعادت مرجع شیعه آیت الله العظمی  
صافی گلپایگانی .  
با سلام ! .

مشکل من انتخاب همسر آینده ام می  
باشد، چندی است که در مورد انتخاب همسر  
مشغول فکر کردن و انتخاب معیارهای درست  
, که مورد قبول خداوند متعال باشد، هستم  
, معیارهایی که مورد قبول عقل و  
شرع باشد و مرا در زندگی مشترک , با  
زنی به خوشبختی کامل و آنچه مورد نظر  
اسلام است , برساند .

معیارهای من , عبارتند از: هم فکری  
و هم عقیده بودن , مشترک بودن مکتب و  
دیدگاه و جهان بینی , از نظر روحی و فکری  
بهم نزدیک بودن و در يك کلام هم شان بودن  
, از نظر فکری .

به ثروت , زیبایی , تحصیلات و غیره  
اهمیت نمی دهم , هرچند این مسایل را  
انکار نمی کنم بهرحال انسان دوست دارد  
همسری زیبا, دارای تحصیلات عالیه داشته  
باشد, ولی به نظر من , وقتی انسان با  
دختری که با او هم فکر و هم عقیده است ,  
ازدواج کند, خودبخود همه این مسایل حل  
می شود .

زیرا به نظر خود, طرز تفکر من , شعاع  
بسیار وسیعی در مورد معیارهای ازدواج  
دارد, هم فکر بودن , فکر من اینست که به  
تحصیلات و کسب دانش تا آخر عمر ادامه دهم  
, دائما در مورد مسایل مختلف فکر کنم  
, ازگناه و معصیت الهی پرهیز کنم , در  
زندگی فردی باشم که گوش به فرمان عقل  
باشد و عقلش بر احساساتش غلبه داشته  
باشد, و در يك کلام انسانی باشم که

خداوند خواستار آن انسان و مورد توجه خداوند باشد میل دارم همسرم ، خانوده اش و فامیلش دارای این طرز تفکر باشند، مهتر، خود آن زن ، این طرز تفکر را داشته باشد، طرز تفکری اسلامی و مورد قبول خداوند .

ولی مشکل من در اینجا خود را نشان می دهد، چگونه بفهمم دختری دارای این شرایط است ، من دردانشگاه تحصیل می کنم ، در این دانشگاه دختر و پسر مشغول تحصیل هستند از طرفی از ارتباط کلامی با دخترها پرهیز دارم و از طرفی میایم بدانم کدام دختر در این دانشگاه یا در شهر محل سکونت من ، دارای این طرز تفکر است .

باور کنید وقتی در تخیل و رؤیا، به این مساله فکر می کنم که مشکلم حل شده است ، آن دختر موردعلاقه ام را پیدا کرده ام و با او ازدواج کرده ام ، آنچنان آرامش و اطمینان تمام وجودم را [فرا] می گیرد، که وصف ناشدنی است . اکنون که مشغول نوشتن این نامه برای حضرتعالی هستم ، مانند مرغی سرگردان و حیران هستم ، نمی دانم با چه دختری وصلت کنم .

معیار من ، خانه ، دارای زیبایی و نیست ، معیار من هم فکر و هم عقیده بودن است ، زیرا با چنین دختری ، زندگی را شروع کردن ، آغاز خوشبختی است .

می خواهم از نظر جناب عالی مطلع شوم و راه درست ، که مورد قبول حضرت حق باشد را ، شما به من نشان دهید چگونه همسر آینده ام را بشناسم ؟ و آیا این معیارها درست است و اشتباهی در مورد انتخاب معیارهایم ندارم ؟ مرا راهنمایی کنید تا از این سرگردانی نجات پیدا کنم و هر روز تمایل به کسی پیدا نکنم و پیش خود

خیال نکنم این همان است که بدنبالش می بودم و بعد ببینم سراب است البته تمایل من فقطنگاه است و نه حتی چشم چرانی ، بلکه نگاهی کوتاه و سریع ، حتی از نگاه به نامحرم ، اگر چه کوتاه ، ابا دارم ، ولی بعضی مواقع چشم من به کسی می افتد و هر چه دیده بیند ، دل کند یاد .  
با تشکر .

بسم الله الرحمن الرحيم .  
انشأ الله تعالى موفق و مشمول عنایات حضرت بقیة الله ، ارواح العالمین له الفدا ، باشید .

مرقوم مفصل شما رسید در مورد ازدواج که نظر حقیر را خواسته اید ، همانطور که می دانید ازدواج یکی از سنن مهم اسلام و مورد ترغیب و تشویق بسیار است و از حضرت رسول ، صلی الله علیه و آله ، روایت است که فرمود : **((النکاح من سنتی))** <sup>(۸۹)</sup> و در احادیث دیگر است : **((من تزوج فقد احرز نصف دینه))** <sup>(۹۰)</sup> .

امید است حال که در صدد انجام این سنت هستید چنانکه در نظر دارید ، موردی که از جهت ایمان و توافق اخلاقی مناسب باشد ، فراهم شود ولی در انتخاب همسر بیشتر از معارف ، فحص و جستجو تاحدی که به مرحله وسواس و مانع از اخذ تصمیم شود ، صحیح نیست همین قدر که از جهات مورد نظر ، بخصوص دیانت ، عفت و اخلاق شناخته شود و پدر و مادر شما و افرادی که به آنها اعتماد دارید ، نیز موردرا مناسب بدانند ، بقیه امر و آینده همه با خداوند متعال است .

با توکل به خدا و طلب خیر از خدا و به نیت انجام سنت دینی اقدام نمایید و آینده اموری را که انسان در جریان آن مؤثر نیست ، همه را به خدا واگذار نمایید که : **((و من یتوکل علی الله فهو حسبه))** <sup>(۹۱)</sup> .

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته .  
لطف الله صافی .

### سؤال ۱۸ = بد اخلاقی همسر

حضور حضرت آیت الله العظمی صافی .  
ضمن عرض سلام ! .

جوانی هستم ۲۵ ساله ، مدت سه ماه است ازدواج کرده ام در طول این سه ماه متوجه شده ام همسرم با من ناسازگاری و لجاجت بی مورد دارد ، مدام بهانه های بی خود می گیرد و منتظر فرصت و بهانه ای است تا از من جدا شود این طور که من این مدت فهمیدم و خودش هم اعتراف کرده ، قبل از ازدواج موارد اخلاقی داشته - رابطه با پسر - و دختر سربه زیری نبوده است ، بطوری که مدارکی هم در این مورد از او پیدا کرده ام - نامه های عاشقانه ، شماره تلفن و غیره - ، من همیشه او را نصیحت می کردم تا شاید اصلاح شود حتی يك بار او را تهدید کردم که چیزهایی را که فهمیده ام به پدر و مادرش می گویم و از او تعهد کتبی با امضا و اثر انگشت گرفتم ، اما مؤثر واقع نشد .

البته شاید ، به ظاهر ، کمی مشکل اخلاقی اش اصلاح شد ، اما در مورد ناسازگاری و لجاجت ، الان مدت دوهفته است که بخاطر همین مسایل ، او را به خانه پدرش برده ام ، چون گفته که من نمی توانم با تو زندگی کنم و طلاق می خواهد ما هم برای طلاق استخاره کردیم ، استخاره خوب آمد ، اما ممکن است باپادرمیانی ریش سفیدهای فامیل و بزرگترها ، دوباره مجبورش کنند که برگردد - البته با توجه به این که هیچ کس از موضوع مسایل قبل از ازدواجش خبر

ندارد و با علم به اینکه می گوید: (پدرم مرا به ازدواج با تومجبور کرد) - من برای آخر و عاقبتم و طلاق با او، استخاره کرده ام و خوب آمد حالا به نظر شما چه کنم؟ به حرف بزرگترها و ریش سفیدها، گوش کنم یا به استخاره عمل کنم؟ اگر لازم می دانید شما هم استخاره ای در این مورد بنمایید، چون من اصلا به او اعتماد ندارم و از آینده ام و زندگی با او و احتمالا خیانت او می ترسم و مانده ام چکار کنم؟! .

البته لازم به ذکر است که به اعتراف خود ایشان، بنده از لحاظ مالی و اخلاقی هیچ مشکلی ندارم، نمی دانم مسایل اخلاقی را به پدر و مادرش بگویم یا نه، اگر نگویم و او را طلاق دهم، چون کسی در جریان نیست، حتما به فساد (بیشتر) کشیده می شود، و اگر بگویم، نمی دانم [که آیا] مدارکم - حتی تعهدی که از او همراه با امضا و اثر انگشت گرفته ام -، برای اثباتش کافی است یا نه.

با تشکر و عذرخواهی از اینکه وقتتان را گرفتم و مطلب به درازا کشیده شد، اما لازم دیدم تمام مسایل را، به طور گسترده و باز خدمتتان ارایه نمایم، تا بتوانید راهنمایی فرموده و نظرتان را به طور کامل و قطعی بیان نمایید.

ت بسم الله الرحمن الرحيم .

حقیر از اظهار نظر در امر داخلی و شخصی شما، بعلت عدم اطلاع معذورم، بطور کلی، اولاً اگر بررسی و امری که برای فرد عیب و عار باشد، مطلع شده اید، افشا نکردن آن فضیلت و ثواب بسیار دارد و بلکه افشا کردن نیز، اگر ضرورتی نباشد، حرام و معصیت است و گاه موجب تعزیر یا حد قذف می شود، بنابراین از افشای سر، حتی پیش پدر و مادر شخص



بپرهیزید، و ثانیاً امر طلاق به دست مرد است و بخصوص اگر زوجه هم مایل باشد، بلی، اگر بواسطه طلاق، زوجه در معرض فساد اخلاقی یا فشارهای روحی قرار بگیرد، البته با امکان زندگی با زوجه، ترك طلاق و ادامه معاشرت به معروف، بسیار خوب است و اصلاً مبعوضترین کارهای حلال، طلاق است و ثالثاً این خود شما هستید که با توجه به نظرناصحین، سالمندان فامیل، دوستان و امکاناتی که خود دارید و ملاحظه جوانب مختلف تصمیم بگیرید به هر حال حقیر هم دعا می‌کنم که آنچه خیر و صلاح شما و طرف شما است فراهم شود.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته .  
 لطف الله صافی .

نمایه واژه ها

۴ .

باطیل: باطلها .  
 استدراج: سنت الهی (مهلت دادن گناهکار و عذاب ناگهانی) .  
 اهل بدع: کسانی که مطالبی جدید، در دین خدا وارد می‌کنند .  
 بار عام: اجازه عمومی دادن .  
 تحلیه: آراستن خویش به اخلاق کریمه .  
 تحمید: حمد و ثنا کردن .  
 تسبیح: خدا را به پاکی یاد کردن .  
 تسدید: کمکهای غیبی .  
 تعزیر: مجازات شرعی .  
 تفوق: برتری جویی .  
 تفویض: واگذار کردن .  
 تکبیر: خدا را به بزرگی یاد کردن .  
 تهلیل: ذکر (( لا اله الا الله )) .  
 تیه: بیابان .  
 حد: مجازات شرعی .  
 حظوظ: بهره ها .  
 حیا: در حال زنده بودن .

خلع : بیرون افکندن .  
 خوض : فرو رفتن ، تفکر کردن .  
 دارین : دو دنیا .  
 دعای مکارم الاخلاق : دعایی منسوب به  
 حضرت سجاد ، علیه السلام ، .  
 دنیه : پست و بی ارزش .  
 صحیفه مبارکه علویه : صحیفه سجادیه .  
 عرق جبین : از دسترنج خود بهره مند شدن  
 .  
 عصات : گناهکاران .  
 غور : فرو رفتن ، تفکر کردن .  
 قذف : نسبت عمل ناروا به کسی دادن .  
 قلاع : قلعه ها .  
 کد یمین : از دسترنج خود بهره مند شدن  
 .  
 کما هو حقہ : آنچنان که شایسته اوست .  
 لبس : پوشیدن .  
 مرویه : روایت شده .  
 مشار بالبنان : مشهور .  
 معاتبه نفس : سرزنش نمودن نفس آدمی .  
 ملاهی : لهو و لعب .  
 ملهیات : اسباب لهو و لعب .  
 مناهی : اموری که مورد نهی است .  
 میتا : در حال ممات .  
 نفس بهیمیه : نفس حیوانی .

پاورقی ها

۸۴- نهج البلاغه ، حکمت ۴۵۶ ، آیا آزاده  
 ای نیست که این دنیا را که در کم ارزشی ، همچون  
 ته مانده طعامی است که در دهان باقی می ماند ،  
 به اهلش واگذارد برآستی که جز بهشت ، هیچ ارزشی  
 برای جانهایتان نیست ، پس جانهایتان را به غیر از  
 بهشت ، نفروشید .  
 ۸۵- توبه ، آیه ۱۰۵ ، و بگو کسارتان را  
 بکنید ، به زودی خداوند و پیامبر او و مؤمنان در  
 کار شما خواهند نگرست .  
 ۸۶- بقره ، آیه ۱۸۷ ، آنان (( پیراهن تن )) شما  
 و شما (( پیراهن تن )) آنانید .

- ۸۷- روم ، آیه ۲۱ ، و از جمله آیات او این است که برای شما از نوع خودتان ، همسرانی آفرید که با آنان آرام گیرید ، و در میان شما دوستی و مهربانی افکند .
- ۸۸- کلینی ، محمد ، کافی ، ج ۴ ، ص ۱۲ ، مؤمن ، آن گونه غذایی را می خورد ، که موافق میل همسر و فرزندانش است ولی منافق ، در غذا خوردن ، فقط به رای و نظر خود ، توجه می کند .
- ۸۹- مجلسی ، محمد باقر ، بحارالانوار ، ج ۲۲ ، ص ۱۸۰ ، ازدواج ، از سنت من است .
- ۹۰- کلینی ، محمد ، کافی ، ج ۵ ، ص ۳۲۹ ، آنکس که ازدواج کند ، نصف دینش را حفظ کرده است .
- ۹۱- طلاق ، آیه ۳ ، و هر کس بر خداوند توکل کند ، همو وی را کافی است .

## فهرست مطالب

سؤال ۱ = تزکیه نفس	2
سؤال ۲ = عدم پای بندی اعضای خانواده به وظایف و دستورات اسلامی	5
سؤال ۳ = نصیحت درباره سعادت دنیا و آخرت	7
سؤال ۴ = راهنمایی در مسیر سلوک	10
سؤال ۵ = رهایی از گرفتاریهای روحی	13
سؤال ۶ = نصیحت در ایام تولد حضرت زهرا (س)	15
سؤال ۷ = بهترین و مهمترین آرزو از خدای سبحان	22
سؤال ۸ = راهنمایی جوانان مشرف به تکلیف	30
سؤال ۸ = راهنمایی جوانان مشرف به تکلیف	37
سؤال ۹ = مبارزه با نفس اماره	41
سؤال ۱۰ = راهنمایی در آغاز سال تحصیلی	43
سؤال ۱۱ = خودکشی و عواقب آن	48
سؤال ۱۲ = نصیحتی برای تمامی جوانان ایران	50
سؤال ۱۳ = نصیحتی مفید برای دنیا و آخرت	50
سؤال ۱۴ = نصیحتی برای جوانان	54
نمایه واژه ها	57
سؤال ۱۶ = حقوق زوجین	63
سؤال ۱۷ = معیارهای انتخاب همسر	68
سؤال ۱۸ = بد اخلاقی همسر	71
فهرست مطالب	76